

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

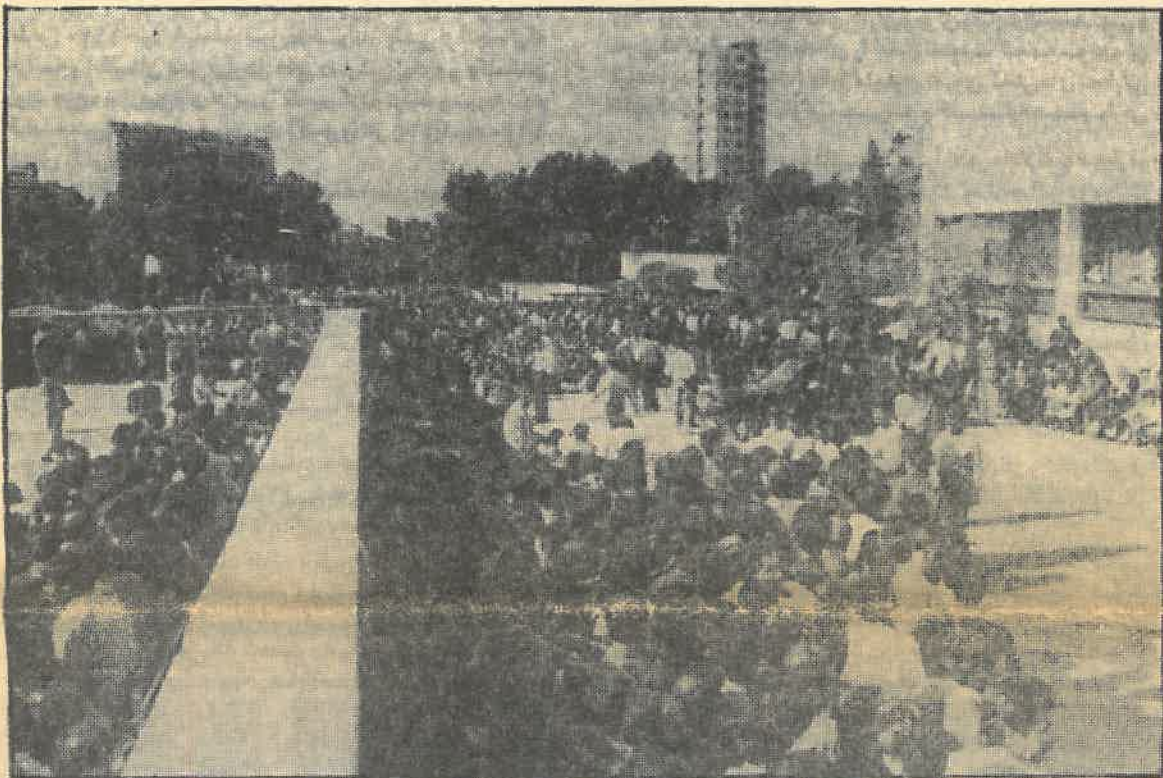
Vol. 2, No. 14, June 1991

سال دوم، شماره ۱۴، خرداد ۱۳۷۰

اتحادیه بین‌المللی کارگران صنایع غذایی در همبستگی با کارگران ایران

اعدام کارگران شیخ‌ترین تجاوز به حقوق اتحادیه‌ای، دمکراتیک و انسانی است

کار برده وار کارگران ایرانی در ژاپن



اجتماع متقاضیان بلیط در برابر دفتر فروش هواپیمایی هما - ۶۹/۷/۱۴

شرکت کنندگان که غالباً کارگرند، به ورزشگاه آمده است به خبرنگار موفق به دریافت بلیط سفر به ژاپن طی ۱۲ ماه آینده شدند. کار سیاه و بنده وار در ژاپن بدلیل درآمد بالایی که به همراه دارد، برای بسیاری از جوانان و کارگران ایرانی یک راه میان بر به سوی بهبود اوضاع اقتصادی محسوب می‌شود. یک جوان ۲۶ ساله بیکار که از شب قبل

مرکز خبری کارگر امروز: روز سه شنبه ۶ فروردین ماه امسال در یک قرعه کشی بی سابقه، که هواپیمایی جمهوری اسلامی در ورزشگاه آزادی ترتیب داده بود، ۷۰ هزار نفر برای دریافت بلیط مسافرت به ژاپن به رقابت برخاستند. قرعه کشی که بر اساس شماره‌های گذرنامه‌ی متقاضیان صورت می‌گرفت تا بعداً نظر ادامه یافت و سرانجام ۳۰ هزار نفر از

سازمان ما فدراسیونی بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری در صنایع غذایی، نوشابه، دخانیات و هتل و رستوران، متشکل از ۲۵۰ سازمان عضو وابسته در ۹۰ کشور است. هدف اصلی ما دفاع از منافع کارگران در همه جا، بویژه کارگران مواد غذایی و رشته‌های وابسته، و دفاع از حقوق پایه‌ای آنها بعنوان کارگر، بعنوان شهروند و بعنوان انسان است.

خبر اعدام فعالین کارگری توسط دولت شما ما را بشدت تکان داد. مشکل بتوان تجاوز شیخ‌ترین را نسبت به حقوق اتحادیه‌ای، حقوق دمکراتیک و حقوق بشر تصور کرد. ما از دولت شما می‌خواهیم که به استانداردهای رسمیت شناخته شده حقوق کارگری در سطح جهان احترام گذاشته، اعدام فعالین اتحادیه‌ای به جرم فعالیت مسالمت آمیز - که ناشی از تمهیدشان نسبت به رفقای کارگزاران است - متوقف کرده، و تمام زندانیان سیاسی را که هم اکنون در بازداشت بسر می‌برند آزاد کند. دان کالین

دبیرکل اتحادیه بین‌المللی کارگران صنایع مواد غذایی و رشته‌های وابسته

مرکز خبری کارگر امروز: "دان کالین" دبیرکل اتحادیه بین‌المللی کارگران صنایع غذایی و رشته‌های وابسته (آی یو اف) که در ژنو مستقر است، طی نامه شدید الحثی که برای هیات نمایندگی جمهوری اسلامی در ژنو و همچنین "محمد حسین ملاک" سفیر ایران در سوئیس ارسال شده است، اعدام فعالین کارگری در ایران را محکوم ساخته و خواهان رعایت حقوق شناخته شده کارگران شده است. متن کامل نامه اتحادیه بین‌المللی کارگران مواد غذایی از این قرار است:

آقای سیروس ناصری
نماینده دائمی
هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران
ژنو، ۲۵ آوریل ۱۹۹۱

بدینوسیله شدیدترین اعتراض‌ها را علیه دستگیری و اعدام آقای عبدالله بیوسه، عضو اتحادیه کارگران نانوايي مریوان در اواخر سال گذشته، که اخیراً به اطلاعمان رسیده است، ابراز می‌دارم. چنانچه مشهود است این یک مورد استثنایی نیست و فعالین کارگری دیگری هم اعدام شده‌اند.

امین باقری یکی از کارگران صنعت چاپ تهران در گفتگو با کارگر امروز

پیرامون اوضاع جنبش کارگری ایران و کارگران صنعت چاپ

صفحه ۶

بدنبال چندین سال تحریم تظاهرات دولتی روز کارگر توسط کارگران

رژیم امسال از برگزاری تظاهرات دولتی خودداری کرد

دبیر کل اتحادیه «دیسک» از تبعید وارد ترکیه شد

مرکز خبری کارگر امروز: بدنبال تصویب لایحه عفو عمومی در پارلمان ترکیه در ماه گذشته که شامل آزادی بسیاری از زندانیان سیاسی شد، تبعیدیان ترکیه از جمله رهبران اتحادیه کارگری «دیسک» که بعد از کودتای نظامی سپتامبر ۸۰ غیر قانونی شد و بسیاری از رهبران و فعالینش دستگیر، شکنجه و زندانی و اعدام شدند اقدام به بازگشت به ترکیه کرده‌اند.

مکرر کارگران در مورد تعطیل روز کارگر، بدین وسیله به اطلاع کل کارگران، کارفرمایان و مدیران می‌رساند که طبق ماده ۶۳ قانون کار روز کارگر ۱۱ اردیبهشت جزء تعطیلات رسمی کارگران بحساب می‌آید.

مرکز خبری کارگر امروز: حتی برگزاری آن بر سر گور خمینی در سال گذشته نیز افاده نبخشید. در اول ماه امسال کارگران بیش از پیش برای تعطیل این روز که مجوز قانونی آنرا نیز بدست آورده بودند، دور خیز کرده بودند. روز ۴ اردیبهشت دفتر روابط عمومی وزارت کار طی بیانیهای اعلام کرد: «با توجه به سوال

در اول ماه سال ۷۰ به جای "روز کارگر"، "هفته کارگر" برگزار گردید. برگزاری "هفته کارگر" ابتکار خانه کارگر جمهوری اسلامی و از جمله بمنظور پرهیز از مراسم و اجتماعات دولتی اول ماه بود، که هر سال آشکار تر از قبل با تحریم وسیع کارگران روبرو و موجب آبروریزی شده بود، و

آشنایی با

«سی.یو.تی» برزیل،

بزرگترین اتحادیه کارگری آمریکای لاتین

صفحه ۹

رهبران احزاب کردستان عراق

در مذاکرات با دولت به توافق نزدیک شدند

رهبری دور اول آن با جلال طالبانی و دور دوم آن به رهبری مسعود بارزانی انجام گرفت طرفین به توافقاتی دست یافتند اما هنوز توافقاتی به امضای طرفین نرسیده است. بقیه در صفحه ۴

مرکز خبری کارگر امروز: رهبران جبهه نیروهای کرد در عراق دعوت رئیس جمهوری این کشور را برای مذاکره پذیرفتند. در این مذاکرات که از طرف احزاب کردستان

«مارتی روزن بلات» فعال جنبش کارگری فلسطین در گفتگو با کارگر امروز

پیرامون وضع کارگران فلسطین و مهاجر

بعد از جنگ آمریکا در خاور میانه

صفحه ۷

وقایع کوی نسترن و بالا گرفتن دعوی خانه کارگر و سازمان تامین اجتماعی

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۹ اسفند ماه گذشته گروهی از کارگران که اقدام به مصادره خانه‌های کوی نسترن کرده بودند با هجوم نیروهای پلیس روبرو شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. خانه‌های کوی نسترن که توسط سازمان تامین اجتماعی و تحت عنوان خانه ارزان قیمت برای کارگران ساخته شده به دیگران واگذار گردیده است. خانه کارگر جمهوری اسلامی که در جریان این حرکت بود و منافع خود را در آن دنبال می‌کرد موضوع را به روزنامه‌ها کشاند و آنرا در جلسه کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران که در اواخر فروردین ماه، با حضور غرضی مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی برگزار گردید، مورد بررسی قرار داد. "طالبی" از شورای اسلامی کار شرکت ساسان با اذعان به اینکه "در روز ۲۹ اسفند توسط نیروهای انتظامی کتک خورده است" از غرضی خواست تا منافع کارگران را در نظر بگیرد و غرضی به نوبه خود در بخشی از صحبت‌هایش گفت: "کار شما برادران کارگر در مورد تصرف خانه‌های مسکونی غیر قانونی بوده و نباید بعد از گذشت ۱۳ سال از انقلاب این کارها را انجام داد. و امیدواریم که این کارها دیگر اتفاق نیافتد و این به ضرر چهره مبارک کارگر است و کارگر که شرافت دارد نباید کار غیر قانونی انجام دهد".

از سوی دیگر "احمدی" نماینده خانه کارگر در هیات نظارت بر سازمان تامین اجتماعی ضمن انتقادات شدید به سوء مدیریت و ولخرجیهای سازمان تامین اجتماعی گفت: "من روز ۲۹ اسفند ماه به تمامی کسانی که در کوی نسترن بودند گفتم آقا برخوردی پیش نیاید و گفتم می‌رویم آقای غرضی را می‌آوریم اینجا صحبت کند. من آن روز تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این واقعه کردم". وی در پایان صحبت‌هایش سازمان تامین اجتماعی را تهدید کرد که سران خانه کارگر در روز کارگر با خامنه‌ای، هاشمی، کروبی، و یزدی دیدار دارند و مسائل سازمان تامین اجتماعی را با مقامات جمهوری اسلامی مطرح خواهند کرد.

سازمان تامین اجتماعی از محل جمع آوری حق بیمه حدود ۲/۶ میلیون بیمه شده و همچنین سرمایه‌گذاریهای بسیار گسترده به یکی از عظیم‌ترین بنگاههای سرمایه‌دار کشور تبدیل شده است و مدت‌هاست که جدال شدیدی بین ارکانهای مختلف رژیم، از جمله خانه کارگر و وزارت کار از یکسو و سازمان تامین اجتماعی و وزارت بهداری از سوی دیگر، برای تصاحب و تسلط بر این خزان یغما جریان دارد. خانه کارگر جمهوری اسلامی به دنبال وقایع کوی نسترن و ضرب و شتم کارگران تلاش وسیعی برای استفاده از این وقایع بی‌فایده خود و علیه سازمان تامین اجتماعی به خرج داده است.

قطعنامه کنگره حزب متحد سوسیالیستی آلمان در اعتراض به بی حقوقی کارگران ایران

برسمیت نمی شناسد، صدها تن از فعالین کارگری را اعدام و هزاران نفر دیگر را زندانی کرده است، شرایط کار و زندگی سختی را بر کارگران ایران تحمیل کرده است، تبعیض علیه زنان را بوسیله قانون تثبیت کرده است، کار کودکان را قانونیت داده است، جمال چراغ ویسی کارگر خدمات شهری، فعال اتحادیه‌ای و سازمانده مراسم اول ماه مه در کردستان را اعدام کرده است، ما شرکت کنندگان در کنگره حزب متحد سوسیالیستی: سیاستهای ضد کارگری رژیم ایران را

برسمیت نمی شناسد، صدها تن از فعالین کارگری را اعدام و هزاران نفر دیگر را زندانی کرده است، شرایط کار و زندگی سختی را بر کارگران ایران تحمیل کرده است، تبعیض علیه زنان را بوسیله قانون تثبیت کرده است، کار کودکان را قانونیت داده است، جمال چراغ ویسی کارگر خدمات شهری، فعال اتحادیه‌ای و سازمانده مراسم اول ماه مه در کردستان را اعدام کرده است، ما شرکت کنندگان در کنگره حزب متحد سوسیالیستی: سیاستهای ضد کارگری رژیم ایران را

اول ماه مه و همبستگی با کارگران ایران

تشکل پشتیبانی کنند و همچنین اعدام کارگران مبارز خصوصا اعدام جمال چراغ ویسی را محکوم نمایند. بنا به گزارش "عبدالله صید مرادی"، این سخنان و نیز در خواست پر کردن کارتهایی اعتراضی و ارسال آن به سفارت جمهوری اسلامی با استقبال کارگران روبرو شد. در شهر کپس نیز، در پی تلاشهای فعالین حزب کمونیست و با همکاری جناح چپ اتحادیه، این قطعنامه در بخشهای پایانی مراسم اول مه کارگران این شهر قرائت گردید: "ما شرکت کنندگان در راهپیمایی اول مه در شهر کپس، اعدام جمال چراغ ویسی سخنگوی مراسم اول مه در شهر سنجند را قویا محکوم می‌کنیم. ما خواهان این هستیم که - تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. - حق اعتصاب و تشکل برای کارگران ایران برسمیت شناخته شود."

اعتراض کارگران تراکتور سازی تبریز به دادن سبب گنبدیده بجای پاداش و عیدی

مرکز خبری کارگر امروز: در اسفند ماه گذشته اعتراضات و مبارزات کارگری در مجتمع تراکتور سازی تبریز، با حدود پنج هزار کارگر، حول دستمزدها و دریافتها در جریان بوده است. اعتراض کارگران بویژه زمانی اوج گرفت که مدیریت کارخانه ریخته گری این مجتمع به جای عیدی، مقادیری کالای جنسی و از جمله سبب گنبدیده به کارگران داد. کارگران تراکتور سازی تبریز در این اعتراضات نیز عمدتاً همان خواستههایی را مطرح کردند که در چند سال اخیر اعتراضات حول آنها شکل گرفته است: نظیر اجرای طبقه بندی مشاغل، دائمی شدن کارگران قراردادی و اعتراض به اخراج گروههایی از کارگران. یکی از اعضای هیات مدیره شرکت

مرکز خبری کارگر امروز: در اسفند ماه گذشته اعتراضات و مبارزات کارگری در مجتمع تراکتور سازی تبریز، با حدود پنج هزار کارگر، حول دستمزدها و دریافتها در جریان بوده است. اعتراض کارگران بویژه زمانی اوج گرفت که مدیریت کارخانه ریخته گری این مجتمع به جای عیدی، مقادیری کالای جنسی و از جمله سبب گنبدیده به کارگران داد. کارگران تراکتور سازی تبریز در این اعتراضات نیز عمدتاً همان خواستههایی را مطرح کردند که در چند سال اخیر اعتراضات حول آنها شکل گرفته است: نظیر اجرای طبقه بندی مشاغل، دائمی شدن کارگران قراردادی و اعتراض به اخراج گروههایی از کارگران. یکی از اعضای هیات مدیره شرکت

رژیم اسلامی اسال ...

بقیه از صفحه اول

"هفته کارگر" جمهوری اسلامی از این قرار اعلام شد: روز پنجم اردیبهشت: کارگران و امام، ششم اردیبهشت: کارگران و دولت، هفتم اردیبهشت: کارگران و مجلس، هشتم اردیبهشت: روز کارگران زن، نهم اردیبهشت: کارگران و ابداعات و اختراعات، یازدهم اردیبهشت: کارگران و رهبری. معنی عملی این نمایشات عبارت از دیدارهای اعضای انجمنهای اسلامی و شوراهای اسلامی و مقامات خانه کارگر با سران رژیم در تهران و امام جمعه و استاندارها در شهرستانها بود. بطلاه از سوی خانه کارگر و وزارت کار "چشواره بین المللی فرهنگی ورزشی کارگران" از روز ۱۱ اردیبهشت برگزار شد. تبلیغات رژیم و خانه کارگر در حول

از گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در باره نقض حقوق بشر در ایران

شوراهای اسلامی ابزاری برای اعمال کنترل جمهوری اسلامی است

مرکز خبری کارگر امروز: وزارت خارجه آمریکا طی گزارش سالانه‌ای که از حقوق بشر در ایران ارائه می‌دهد، اذعان کرد که خانه کارگر و شوراهای اسلامی ابزار کنترل کارگران توسط جمهوری اسلامی است. در این گزارش آمده است: "اتحادیه‌های کارگری به معنای درست کلمه در ایران وجود ندارند. در سال ۱۹۸۲ تشکیلاتی در سطحی سراسری به عنوان "خانه کارگر" به صورت شاخه "حزب جمهوری اسلامی" که اکنون منحل گردیده، بوجود آمد و این تنها سازمان ملی کارگری است که بطور قانونی در ایران وجود دارد. این سازمان از نزدیک با انجمنهای اسلامی و شوراهای اسلامی کار که در اکثر کارخانه‌ها تاسیس شده است، همکاری دارد. "خانه کارگر" تحت سرپرستی و ریاست حسین کمالی وزیر کار و امور اجتماعی قرار دارد و در واقع وسیله‌ای است برای اعمال کنترل و نفوذ دولت و نمی‌توان آنرا به عنوان اتحادیه‌ای که توسط کارگران تاسیس شده و برای منافع آنها فعالیت می‌کند، تلقی کرد".

در این گزارش ضمن اشاره به اینکه شوراهای اسلامی ابزارهای کنترل دولت هستند گفته شده: "با وجود این همین شوراها در موارد مکرری توانسته‌اند از برکناری و اخراج کارگران جلوگیری کنند".

وزیر نفت از صحبت درباره مسائل کارگران نفت امتناع کرد

مرکز خبری کارگر امروز: آقا زاده وزیر نفت جمهوری اسلامی که در روز دوم اردیبهشت ماه در یک کنفرانس مطبوعاتی در باره برنامه‌های آتی پتروشیمی صحبت می‌کرد از پاسخ به سوالاتی در مورد مشکلات کارکنان نفت امتناع کرد. خبرنگار روزنامه کار و کارگر از وی پرسید که چرا علیرغم تصمیم موافق شوراهای کار و وزیر نفت از تشکیل شوراهای اسلامی معانعت می‌کند و همچنین مشکلات مختلف کارکنان نفت از چه قرار است. وزیر نفت پاسخ به این سوالات را به مصاحبه جداگانه‌ای واگذار کرد. یاد آور می‌شویم که در دی ماه گذشته دهها هزار کارگر و کارمند شرکت نفت در سراسر کشور بمدت دو هفته به اعتصابی یکپارچه دست زدند و دولت را ناچار به پذیرش تمامی خواسته‌های اعتصاب کردند.

قانون کار جمهوری اسلامی از ۱۴ اسفند به اجرا در آمد

تدوین شده است. در همانحال "احمدی" مدیر کارخانه چوبپیران در گفتگویی با روزنامه کار و کارگر چنین اظهار نگرانی کرد: "تبصره ۱۳۷ قانون کار جدید از مفادی است که در صحنه بین‌المللی بما ایراد خواهند گرفت. چرا که این تبصره با مقوله نامعناهی که ما امضا کرده‌ایم مغایرت دارد. در این بند به هیات دولت اختیار داده شده است که آئین نامعناهی شوراهای مرکزی تشکیلات کارفرماها و کارگران و آئین نامعناهی انتخابات آن پس از تأیید هیات وزیران به مورد اجرا درآید. این مطلب حتی در رژیم گذشته هم وجود نداشت".

مرکز خبری کارگر امروز: محسن خواجه نوری معاون وزارت کار اعلام کرد که قانون کار جدید جمهوری اسلامی به تمام ادارت وزارت کار ابلاغ شده و از روز ۱۴ اسفند تحت نظارت بازرسان وزارت کار به اجرا در آمده است. وی افزود که تدوین ۴۱ آئین نامه اجرایی در قانون کار پیش بینی شده که در زمان ابلاغ بیش از ۲۰ مورد آن تهیه شده بود. معاون وزیر کار ضمن اعلام این خبر که ۵۰ هزار نسخه از متن قانون جهت استفاده عموم منتشر گردیده، ادعا کرد که قانون کار جمهوری اسلامی با احترام به مقوله نامعناهی بین‌المللی کار

ISSN 1101-3516 Tryck: HS Offset AB 1991

کارگر امروز

نشریه انترناسیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

سر دبیر: رضا مقدم

حساب بانکی: Bank Account: 5201-3306202 S.E. Banken Stockholm, Sweden

صفحات انگلیسی: بهرام سروش مرکز خبری: مصطفی صابری سرین جلالی، لایلا دانش، مریم کوشا، آذر ماجدی، امور اجرایی: فریده آرمان، فیمه قطبی، ایرج فرزاد، علی کهن. صفحه بندی: فورست تیتر نویسی: برنامه کامپیوتری ایزیسات

آدرس: W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden

اروپا: یکساله ۱۲۰ کرون سوئد - ششماهه ۷۰ کرون سوئد دیگر کشورها: یکساله ۱۸۰ کرون سوئد - ششماهه ۱۰۰ کرون سوئد - بها برای موسسات دو برابر قیمت‌های فوق است (تمام قیمتها با محاسبه هزینه پستی است)

فرم آبونمان

مایلیم نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. یکساله شش ماهه لطفا نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution _____
Address _____
Postcode _____ City _____ Country _____

فرم پرشده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابل تماس بگیرند

W.T. P.O.Box 24142 L.A., CA 90024 USA

اخبار کوتاه

بریتانیا، ۳۶ ساعت کار در هفته از ۱۹۹۳

راه آهن

در اوائل ماه مه، رهبران اتحادیه‌های کارگری در مذاکرات خود با مدیران صنایع شیمیایی بر سر ۱۴ درصد افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار به ۳۶ ساعت در هفته از سال ۱۹۹۳ دیگر به توافق رسیدند.

فرانسه، اعتصاب کارگران راه آهن

روز ۱۵ مه، کارگران راه آهن پاریس در دفاع از سن بازنشستگی دست به اعتصاب زدند. دولت فرانسه اخیرا تصمیم گرفته است که بقصد صرفه جویی در مخارج، سن بازنشستگی را که هم‌اکنون بین ۵۰ تا ۵۵ سال است تغییر دهد. اعتصاب کارگران، ترافیک را در شهر پاریس بکلی مختل کرد.

لهستان، اعتصاب در معادن مس

در اواسط ماه مه، کارگران معادن مس "لوپین" با مطالبه ۱۰۰ درصد افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. اتحادیه همبستگی نیز اعلام کرده است تا آخر این ماه دست به آکسیون‌های اعتراضی خواهد زد. طبق آمار رسمی، انتظار می‌رود که تعداد بیکاران این کشور که در حال حاضر ۱/۳ میلیون نفر است تا آخر سال جاری به ۲ میلیون نفر برسد.

اقتصادی جامعه را بدست بگیرند. اما آیا وجود چنین وضعی دلیل آن خواهد بود که کارگران خواسته‌های خود را مطرح نکنند و به امید روزی بنشینند که مشکل شوند؟ اگر با این استدلال پیش می‌رفتیم، شعار ۴۰ ساعت کار هم در ایران یک شعار زودرس بوده است. و می‌بایستی صبر می‌کردیم تا مثل کارگران سایر کشورهای پیشرفته مشکل می‌شدیم. عامل فرعی که یدالله خسروشاهی اشاره کرده است، وضعیت زندگی کارگران ایران است. کارگران ایران مجبورند که برای یک زندگی بخور و نمیر ۷۰ تا ۸۰ ساعت کار کنند. این یک واقعیت آشکار است. اما رفیق توضیح نداده است که این وضعیت چه ارتباطی با مطرح نکردن ۳۵ ساعت کار دارد. به اعتقاد من این شعار هیچ تأثیر منفی که ندارد، برعکس تأثیر مثبت خواهد داشت. کارگران ایرانی باید بدانند که هم طبقه‌های او در کشورهای مختلف با مبارزه مشکل خود ۳۵ ساعت کار را به سرمایه‌داران تحمیل می‌کنند. که این خواست امکان پذیر است و یک رویا یا خیالی‌های روشنفکران ناراضی نیست بلکه یک واقعیت زنده و یک جنبش عظیم و گسترده نسبتا جهانی است.

در پایان بگویم اگر کارگران ایران ۳۵ ساعت را مطرح کنند و برای آن مبارزه کنند، خیلی راحتتر می‌توانند فردا پشت میز مذاکره با کارفرما و دولت به ۴۰ ساعت کار دست یابند. بارها تجربه شده است که اگر دست بالا را بگیریم این حداقل هم بدست نمی‌آید.

امضا محفوظ
دانمارک - آوریل ۹۱

است که اگر یک ساعت کمتر کار کند، یک تومان بیشتر بگیرد به نفع او می‌باشد... این فلسفه روابط هر روزه کارگر و کارفرما بشکل ساده می‌باشد. اما چپ غیر کارگری اینرا نمی‌بیند و هرروزه چرتکه می‌اندازد که اگر مثلا ۴۰ ساعت کمتر کار کنیم، اگر در تولید اخلال شود جامعه ورشکست خواهد شد، که بورژوازی ما نمی‌بیند است و فعلا مصلحت نیست. سالهاست که چپ در برنامه خود به جای اینکه منافع کارگران را منعکس کند، در فکر رشد و برنامه ریزی کردن سرمایه و در رویای شکوفایی سرمایه داری و رساندن ایران به آلمان و آمریکا و ژاپن است.

اگر کارگر ایران هنوز به این خواستهها (نظیر ۳۵ ساعت کار) دست نیافته نه به خاطر به کار نکرده شدن تکنولوژی جدید بلکه بعضا به خاطر همین انحرافات است. سالهاست که تولید اجتماعی انسانها کفاف زندگی راحتتر و ساعت کار کمتر از ۳۵ ساعت را می‌دهد. مهمترین دلیل این ادعا این است که هر سال میلیونها ساعت از کار کارگران و تولید کنندگان صرف رقابت های تسلیحاتی و جنگ و دیگر ریخت و پاشی بورژوازی می‌شود.

عامل دیگری که یدالله خسروشاهی اشاره کرده است، "تفرقه و پراکندگی نداشتن تشکل سراسری کارگران ایران" است که مانع شعار ۳۵ ساعت کار می‌شود. بدون شک نداشتن تشکل سراسری و تفرقه و پراکندگی ضعف بزرگی است. اگر کارگران ایران بر این ضعف فائق شوند خیلی کارها می‌توانند بکنند. و از جمله شاید بتوانند قدرت سیاسی و

نامه به سردبیر

نامعایی که به قصد درج در این ستون ارسال می‌شوند باید: ۱- کوتاه باشند ۲- تایپ شده یا کاملا خوانا باشند ۳- چنانچه نویسنده مایل به درج نام خود نیست، تصریح شود تا امضا محفوظ بماند - کارگزاران در انتحاب و تلفیص نامعا آزاد است.

در باره مطالبه ۳۵ ساعت کار در هفته

سردبیر کارگر امروز:

آلمان نرسیده است، فعلا مطرح کردن ۳۵ ساعت کار غیر واقعی و غیر عملی است و باعث ورشکستگی سرمایه‌داران و بسته شدن کارخانها و گسترش بیکاری خواهد شد. راستش من نمی‌دانم که یدالله خسروشاهی یا اتکا به کدام آمار و ارقام از سود و زیان سرمایه‌داران و حتی صاحبان کارگاههای کوچک به این نتیجه رسیده که با عملی شدن ۳۵ ساعت کار در هفته حتما آنها ورشکست خواهند شد. وانگهی آمار و ارقام هرچه که باشد، این منطق در عالم واقعی روابط کارگر و کارفرما غیر واقعی است. نه کارگر مدافع سود کارفرمای خود می‌باشد و نه سرمایه‌دار وضعیت زندگی کارگرش را بخودی خود مورد توجه قرار می‌دهد. اگر برای او امکان داشته باشد تمامی ۲۴ ساعت شبانه روز را می‌خواهد از کارگر کار بکشد... و برای کارگر هم روشن

در نشریه شماره ۱۱ در صفحه نامه به سردبیر در مقاله رفیق یدالله خسروشاهی در نقد شعار ۳۵ ساعت کار انحرافی دیده می‌شود که از بسیاری جهات یک انحراف عمومی در سطح جهانی است و سالهاست که جنبش کارگری و چپ بالخصوص در ایران از آن رنج می‌برد. از این زاویه نقد این نوشته برایم اهمیت ویژه‌ای دارد. یدالله خسروشاهی نخست با توضیح رشد ناموزون سرمایه‌داری ایران و وجود بخش وسیعی از کارگاههای عقب مانده مثل کارگاههای قالببافی و غیره، به این نتیجه می‌رسد که نیروهای مولده هنوز به اندازه کافی رشد نکرده است و شرایط عملی شدن این شعار را غیر ممکن می‌داند. بطور خلاصه می‌توان چنین بیان کرد که چون سرمایه‌داری ایران هنوز به پای

قرار داد ۱۱ مارس ۱۹۷۰

مذاکرات رهبران کردستان...



Portrait of a man, likely a leader of the Kurdistan Workers' Party.

حتی الامکان از کسانی خواهند بود که به زبان کردی مسلط باشند. مسئولین اصلی اداری (مانند استاندار و فرماندار و رئیس پلیس و رئیس اداره امنیت و این گونه مسئولین) نیز تعیین شده و بلافاصله در مشورت و همفکری با کمیته عالی نظارت بر اجرای این بیانه، در جهت توسعه دستگاههای دولتی در محل تلاش بعمل خواهد آمد، بنحویکه تحقق این مواد تضمین شده و وحدت میهنی و ثبات در منطقه تقویت گردد.

از: کتاب "کرد و کردستان" نوشته: عبدالرحمان قاسملو ترجمه: کارگر امروز

۱ - زبان کردی همراه با زبان عربی در همه مناطقی که اکثریت ساکنان آن را کردها تشکیل می‌دهند، زبان رسمی خواهد بود. زبان کردی در این مناطق زبان تحصیل خواهد بود و زبان عربی نیز در همه نواحی عراق، به نسبتی که قانون معین خواهد کرد، مانند زبان دوم تدریس خواهد شد.

نوشیروان امین از طرف اتحادیه میهنی کردستان، سامی عبدالرحمن و رسول مامند همراهی می‌شد انجام گرفت. طبق اظهارات رهبران جبهه کردستان محور مذاکرات را حدود جغرافیایی منطقه خودمختار که اساسا حول تعلق یا عدم تعلق شهر کرکوک به آن دور می‌زند، و همچنین حدود اختیارات دولت خودمختار تشکیل می‌داد. به گزارش شبکه تلویزیونی "سی.ان.ان" دولت عراق واگذاری کرکوک به منطقه خود مختار را منتفی اعلام کرده است. همچنین مسعود بارزانی بدنبال مذاکراتش با مقامات دولت عراق در مصاحبه مطبوعاتی که توسط همین شبکه پخش شد اعلام کرد که مهمترین موفقیت مذاکرات ایجاد اعتماد متقابل میان دو طرف است. طبق گزارش خبرگزاریها باز کردن فضای سیاسی در عراق بطور اصولی مورد توافق دولت قرار گرفته است. از سوی دیگر نیروهای کرد خواستار یک تضمین بین‌المللی برای پایبندی دولت عراق به توافقات هستند. اما هنوز خبری مبنی بر اینکه مسئله تضمین یکی از شروط مذاکره بوده است یا نه منتشر نشده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در دور اول این مذاکرات که بر مبنای قرارداد ۱۱ آزار) صورت گرفت از طرف احزاب کردستان علاوه بر جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی کردستان، محمد محمود (سامی) عبدالرحمن دبیرکل حزب دموکرات خلق کردستان، رسول مامند رهبر حزب سوسیالیست کردستان و نجیروان بارزانی یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان حضور داشتند. به گزارش رویتر جلال طالبانی بعد از ملاقات با صدام حسین در یک کنفرانس خبری که حمید یوسف حمادی وزیر اطلاعات عراق نیز در آن حضور داشت گفت، در این مذاکرات انجام یک انتخابات آزاد برای یک مجلس ملی، آزادی مطبوعات و آزادی اجتماعات را با دولت عراق مورد بررسی قرار داده‌اند، اما هنوز هیچ چیزی امضا نشده و جزئیات به گفتگوهای بعدی موکل گردیده است. دور دوم مذاکرات از طرف احزاب کردستان به رهبری مسعود بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان که توسط

۱۳ - قوانین مربوط به استانها بنحویکه با محتوای این بیانیه خوانایی داشته باشد اصلاح خواهد شد. ۱۴ - بدنبال انتشار این بیانیه در مشورت با کمیته عالی نظارت بر اجرا، باید برای وحدت مجدد استانها و مناطق اداری‌ای که برحسب سرشماری رسمی‌ای که انجام خواهد گرفت، اکثریت ساکنان آن را کردها تشکیل می‌دهند، اقدامات لازم معمول شود. از این بیعد دولت برای توسعه و ترقی این مناطق اداری و برای گسترش و تعمیق همه حقوق ملی خلق کرد، بمنظور اینکه خودمختاری برای کردها تامین شود، تلاش خواهد کرد. تا هنگامیکه این وحدت اداری تامین شود، امور ملی کردها از طریق تشکلهای متناوب کمیته عالی و استانداران منطقه شمال تنظیم خواهد شد. بعلت اینکه این خودمختاری در چهارچوب جمهوری عراق خواهد بود، بدیهی است. که بهره برداری از ثروتهای طبیعی این منطقه نیز در صلاحیت این جمهوری است. ۱۵ - خلق کرد به نسبت جمعیت خود در امر قانونگذاری سهم خواهد بود.

مناسبات فئودالی را تامین کرده و موجب شود همه کشاورزان قطعه زمین مناسبی دریافت کنند و بهره مالکانه‌ای که در سالهای تاسف بار جنگ روی دوش آنها افتاده است مورد بخشودگی قرار بگیرد. ۱۰ - توافق بر روی اصلاح قانون اساسی موقت بنحو زیر: الف - خلق عراق از دو ملت اصلی تشکیل شده که عبارتند از ملت عرب و ملت کرد. این قانون حقوق ملی خلق کرد و حقوق همه اقلیتهایی را که در چهارچوب وحدت عراق زندگی می‌کنند به رسمیت می‌شناسد. ب - این بند به ماده چهارم این قانون اضافه می‌شود که: "زبان کردی همراه با زبان عربی در مناطق کردنشین زبان رسمی خواهد بود." ج - گنجاندن موارد فوق در قانون دائمی. ۱۱ - فرستنده رادیویی و سلاح سنگین به دولت تحویل داده خواهد شد و این موکل به اجرای مراحل نهایی این توافق نامه است. ۱۲ - یکی از معاونان رئیس جمهور کرد خواهد بود.

این شرایط دچار نقص عضو شده و قادر به کار نیستند. د - تسریع در امداد خسارت دیدگان و بی خانمان شدگان از طریق اجرای پروژههای اسکان و یا از سایر راهها بنحویکه برای بیکاران تامین کار نماید. همچنین اعطای وسائل و کمکهای مالی مناسب و جبران خسارت معقول برای کسانی که به کمک نیاز دارند. این کار به کمیسیون عالی سپرده می‌شود. این بند شامل کسانی نمی‌شود که مشمول بندهای دیگر قرار گرفته‌اند. ۸ - بازگرداندن ساکنان روستاهای عرب نشین و کردنشین به محلهای سابق خود. ساکنان روستاهایی هم که نمی‌توان در آنجا سکونت کرد و دولت بحکم قانون در جهت منافع عمومی تحت اختیار خود در آورده است، در مناطق مجاور اسکان داده خواهند شد و ضرر و زیانی هم که باین علت متحمل می‌شوند جبران خواهد شد. ۹ - تسریع در اجرای قانون اصلاح کشاورزی در مناطق کردنشین و اصلاح این قانون بنحویکه از میان رفتن

ب - کارگران و کارمندان و مستخدمین کشوری و لشکری بدون قید و شرط به سر کار خود باز می‌گردند و از کارمندان کرد به طریق مناسب در مناطق کردنشین استفاده بعمل خواهد آمد. ۷ - الف - تشکیل کمیسیونی مرکب از کارشناسان و خبرگان برای تامین پیشرفت مناطق کردنشین در سریعترین زمان ممکن و جبران ضرر و زیانی که طی این مدت به این منطقه وارد آمده است و تخصیص بودجه لازم برای اجرای این امر. این کمیسیون تابع وزارت امور شمال خواهد بود. ب - تهیه برنامه اقتصادی بنحویکه توسعه یکسان کلیه مناطق عراق را، با توجه به شرایط عقب افتادگی مناطق کردنشین، تامین کند. ج - بموجب یک قانون خاص که با سایر قوانین در انطباق باشد، برای خانواده کسانی که طی شرایط تاسف بار جنگ شهید شده‌اند، از اعضای جنبش مسلحانه کرد و بجز آن، حقوق وظیفه بازنشستگی در نظر گرفته می‌شود. همینطور برای کسانی که بر

۳ - نظر باینکه ملت کرد در گذشته از لحاظ فرهنگ و پرورش دچار عقب ماندگی شده است، طرحی برای حل این عقب ماندگی، از راههای زیر، بمورد اجرا گذاشته خواهد شد: الف - تسریع در اجرای قرارهای شورای فرماندهان انقلاب در مورد زبان و حقوق فرهنگی خلق کرد و تهیه و انتشار برنامه خاصی در باره مساله ملی کرد از رادیو و تلویزیون از طرف مدیریت کل فرهنگ و انتشارات کردی. ب - بازگرداندن شاگردانی که بعلت حالت خشونت در منطقه اخراج شده و یا ناچار از ترک تحصیل شده‌اند به مدارس خود صرفنظر از سن، و یافتن راه حل مناسب برای مشکلات آنها. ج - گشایش مدارس به تعداد زیاد در مناطق کردنشین و ارتقای سطح آموزش و پرورش و قبول شاگردان کرد در دانشگاه و دانشکدههای نظامی بر اساس یک معیار متصفانه. ۴ - کارمندان ادارات در مناطقی که اکثریت ساکنان آن را کردها تشکیل می‌دهند، کرد خواهند بود، یا

اعتصاب معدنچیان شوروی پایان یافت

کارگران نفت شمال خواستار اتحادیه مستقل شدند

خود بکنند. اعتصاب معدنچیان شوروی بیش از دو ماه ادامه داشت. این اعتصاب که بسرعت به تمام معادن کشور کشیده شد از ناحیه دونباس در اوکراین آغاز شد. یکماه پس از آغاز اعتصاب بیش از ۳۰۰ هزار کارگر معدن در بیش از ۱۶۵ معدن در اعتصاب بودند. معدنچیان مورد پشتیبانی بخشهای دیگر کارگران از جمله کارگران راه آهن، شرکت های هوایی، معادن طلا قرار گرفتند. این اعتصاب به گفته تحلیل گران سیاسی غرب، بزرگترین مبارزه صنعتی علیه دولت گورباچف از تابستان سال ۱۹۸۹ بود.

ورکوتا، سیدنی، و از دونباس تا اوکراین به همراه کارگران اعتصابی عقدنامه را مورد بررسی قرار دهند. همزمان با امضا توافق نامه، کارگران نفت و گاز تیمون در سیدنی در طی نامه ای که به گورباچف نوشتند خواهان ۳ برابر شدن دستمزدشان شدند. و گروهی از کارگران در کارخانه کیف در لنینگراد، با اعتصاب خواهان استعفا گورباچف شدند و به تصمیم جدید دولت مبنی بر ممنوعیت یکساله اعتصاب اعتراض کردند. این گزارش حاکی است که این عقدنامه به معادن روسیه استقلال عمل خواهد داد تا بخشی از درآمد معادن را صرف وارد کردن اجناس به مناطق

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۶ مه، دولت شوروی برای پایان دادن به اعتصاب معدنچیان رسماً اداره معادن این کشور را به "فدراسیون روسیه" سپرد. اما یکی از رهبران اعتصاب در منطقه کوزباس گفت که امضا کرملین هنوز به معنای پایان اعتصاب نیست. به گزارش تایمز مالی، "الکساندر سمیرنوف" یکی از رهبران اعتصاب اعلام کرد که معدنچیان اعتصابی قبل از اینکه نوشته کتبی این عقدنامه و تک تک مواد آن را بپیمند به اعتصاب خاتمه نخواهند داد. قرار است که رهبران اعتصاب از نواحی

اینصورت تلاش برای ایجاد اتحادیه جدید "گریز ناپذیر" خواهد بود. رانی مک دونالد، دبیر کمیته همبستگی کارگران نفت در اینمورد گفت: اگر اتحادیهها بخش کارگران سکهای شناور را با تضمین رسمی بعنوان یک اتحادیه مستقل و آزاد برای تعیین سیاست هایش تاسیس نکنند، کارگران نفت "راه حل خودشان" را از طریق قوانین روابط صنعتی پیش خواهند برد. او افزود که "کنگره اتحادیههای کارگری" که اکثریت اتحادیه های کارگری بریتانیا را نمایندگی می کند باید از استقلال بخش کارگران سکهای شناور متشکل از ۶ اتحادیه کارگری پشتیبانی کند.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۷ آوریل، رهبران اعتصابات کارگران نفت دریای شمال تهدید کردند که اگر اتحادیههای رسمی، متشکل کارگران نفت در سکهای شناور را ایجاد نکند اتحادیه جدیدی تشکیل خواهند داد. به گزارش تایمز مالی، اختلاف بر سر برسمیت شناسی اتحادیه پس از مذاکرات حول قرارداد جدید پرداخت دستمزد کارگران ساختمانی بروز کرد. رهبران "کمیته همبستگی کارگران نفت در سکهای شناور" در طی فراخوانی از اتحادیهها خواستند تا نحوه نمایندگی شدن کارگران نفت را اصلاح کنند. آنها اعلام کردند که در غیر



صحنه ای از میتینگ کارگران اعتصابی فرودگاه ترکیه

اعتصاب کارگران فرودگاههای ترکیه

مرکز خبری کارگر امروز: ۸ هزار نفر از کارکنان شرکت هواپیمایی دولتی ترکیه (تی اچ وای) برای ۶۰ درصد افزایش دستمزد اعتصاب زدند. طی این اعتصاب که بیش از یک ماه است که ادامه دارد ۲ هزار کارگر در شهر استانبول در اعتراض به سخنرانی تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه که در شهر ازمیر کارگران را تهدید به اخراج و بستن سندیکا و حتی تعطیل خطوط هوایی کرده بود دست به تظاهرات زدند. به گزارش سلمان کاشی یکی از خبرنگاران کارگر امروز در ترکیه، طی این اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر فرودگاه نیز در پشتیبانی از اعتصابیون دست از کار کشیدند و اکثر پروازهای این شرکت را که ۸۰ درصد پروازهای داخلی و ۵۰ درصد پروازهای بین المللی ترکیه را بعهده دارد، مختل کردند.

کارگران یونان علیه خصوصی شدن کارخانهها

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۵ آوریل، ۳۰ هزار کارگر شاغل در کمپانیهای که قرار است خصوصی شوند دست به اعتصاب زدند. کارگران علیه برنامه تعطیلی کارخانجاتی که هنوز به فروش نرفته اند دست از کار کشیدند. در سال جاری تنها دو کارخانه از مجموع ۲۸ کارخانه ای که قرار بود امسال خصوصی شود به فروش رفته است. در سال گذشته به ۶ هزار کارگری که در کمپانیهای خصوصی شده کار می کردند، یکسال کارآموزی مهارت جدید همراه با حقوق کامل پرداخت شد اما چنین امتیاز و مقرراتی برای مابقی کارگران مطرح نشده است. هم اکنون ۸ درصد کل نیروی کار یونان بیکار است اما از هر ۳ کارگر در رده سنی ۱۸ تا ۲۳ سال یک نفر قادر به یافتن کار نیست.

اشغال یک هفته ای کارخانه کاترپیلار در کانادا

کارخانه را تخلیه کرده و به سر کار بازگردند. او اعلام کرد که مدیریت حاضر به مذاکره شده است. "باب وایت" دبیر اتحادیه سراسری کارگران اتومبیل سازی کانادا این حرکت کارگران را موفقیت آمیز خواند. مقامات کاترپیلار گفتند که حاضر به پرداخت غرامت معادل حقوق یک هفته کار برای هر سال خدمت هستند اما "باب وایت" به کارگران گفت که این کمپانی در آمریکا برای هر سال کار حقوق یکماه را بعنوان غرامت می پردازد و کارگران باید خواهان این میزان غرامت بشوند.

مرکز خبری کارگر امروز: ۲۰۰ کارگر کمپانی "کاترپیلار" برای مذاکره بر سر قرارداد به مدت ۶ روز یک کارخانه این کمپانی را اشغال کردند. کارگران که عضو اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا بودند خواهان قرارداد مطلوبی برای پایان کار ۳۵۰ کارگر کارخانه شدند که بدلیل انتقال کارخانه به آمریکا بیکار می شدند. به گزارش روزنامه "تورنتو استار" چاپ کانادا، دبیر اتحادیه محلی روز ۲۹ آوریل از کارگران خواست تا

کارگران گفت: من بیهوشه این دولت را قبول ندارم و هیچ لایحه ای را که بگذرانند جدی نمی گیرم. "باب وایت"، دبیر اتحادیه اتومبیل سازی خطاب به کارگران بخش خدمات گفت: شما در این اعتصاب تنها نخواهید بود. من به شما قول می دهم که کارگران اتومبیل سازی تمام وقت آزادشان را در کنار کارگران اعتصابی و به پیکت بگذرانند. وی افزود که هر زمانیکه یک اتحادیه بزرگ کارگری شکست خورده است تاثیر درونگانی بر جنبش طبقه کارگر داشته است.

کانادا، بحران و بیکاری

است. در معادن هزاران شغل از بین رفته است و مشخصا بدلیل بسته شدن معادن اورانیوم "الیوت لیک" هزار کارگر بیکار شده اند. وزیر کار ایالت اونتاریو اعلام کرد که به هر کارگری که بدلیل ورشکستگی دلار کانادا تعلق می گیرد. ۱۵۵ هزار کارگر بخش خدمات به آغاز یک اعتصاب در اعتراض به بیکار سازیها رای مثبت دادند. یکی از رهبران کارگران گفت: "من حتی حاضرم بجرم رعایت نکردن حکم بازگشت به کار به زندان بروم". یکی دیگر از رهبران

تخلیص شده از: تورنتو استار، چاپ کانادا بیکار سازی کارگران کانادا را تهدید می کند. هزاران کارگر کمپانی هواپیمایی "هاویلند" در تورنتو اگر دولت فدرال اجازه فروش کمپانی بوئینگ را به شرکتی فرانسوی و ایتالیایی بدهد، بیکار خواهند شد. صدای کارگر در شرکت نفتی "پتروکن" در معرض بیکاری قرار دارند. کمپانی ترانسپورت تورنتو از روز ۱۲ مه، ۱۸۹ راننده و ۲۶ کارگر بخش خدمات این کمپانی را بیکار کرده

کنگره آمریکا از اعتصاب سراسری جلوگیری کرد

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۸ آوریل، کنگره آمریکا ۱۸ ساعت پس از آغاز اعتصاب سراسری ۲۳۵ هزار کارگر راه آهن آمریکا حکم بازگشت به کار کارگران را صادر کرد. و آثرا به امضای رئیس جمهور رساند. طبق قوانین آمریکا با وجود این حکم اگر کارگران به اعتصاب ادامه دهند، اعتصابشان غیر قانونی خواهد بود. دولت آمریکا با تعیین یک مهلت ۶۵ روزه یک کمیته سه نفره را مسئول رسیدگی به اختلافات کارگران و کارفرماها کرده است و اگر پس از اتمام مهلت طرفین به توافق نرسند این کمیته راسا شرایط کار را تعیین خواهد کرد. مطالبه کارگران در این اعتصاب افزایش ۵ درصد افزایش دستمزد، پرداخت ۱۵ درصد از هزینه درمانی بود.

صد هزار کارگر نیوزیلند علیه لایحه ضد کارگری دولت

اتحادیه پس از اینکه کارگران در سراسر کشور دست به اعتراض زدند و تحت فشار کارگران حاضر به برگزاری راهپیمایی سراسری شد. در این روز ۱۰ هزار کارگر در "آکلند" و ۵ هزار کارگر در "ولینگتن" در مقابل پارلمان تظاهرات کردند. دفا تر و ادارات دولتی و موسسات دیگر به دلیل اعتصاب ۲۴ ساعته تعطیل شد. پنا به این گزارش، کارگرانی که حاضر به بستن قرارداد منفرد و محلی نشدند نه تنها شغلشان را از دست داده اند بلکه از هرگونه بیمه بیکاری نیز محروم شده اند. دولت در بودجه بندی سال جدید بیمه بیکاری، بیماری، حق بازنشستگی را کاهش داد. از آن زمان تاکنون تظاهرات و اعتراضات کارگری در این کشور بطور مداوم ادامه داشته است.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۴ آوریل، بیش از ۱۰۰ هزار کارگر نیوزیلند برای جلوگیری از تصویب لایحه ضد کارگری و ضد اتحادیه های دولت دست به راهپیمایی زدند. همزمان با این راهپیمایی وسیع که در چند دهه اخیر بی سابقه بوده است ۵۰ هزار معلم مدرسه در سراسر کشور اعتصاب کردند. به گزارش "ورکرز ادوکیٹ" چاپ آمریکا، دولت با تصویب لایحه جدید قصد دارد قراردادهای سراسری و دستجمعی کارگران را لغو کند و قراردادهای محلی و فردی همراه با محدودیت اعتصاب را جایگزین آن سازد. راهپیمایی با فراخوان "شورای اتحادیه های کارگری نیوزیلند" برگزار شد اما به گفته این نشریه رهبری

اعتصاب ۳۰ هزار کارگر خدمات ساختمانی آمریکا

روزیهای مرخصی و تعطیلات، تبدیل کردن کار تمام وقت کارگران به نیمه وقت از جمله موارد سیاست جدید مالکین بود. بلافاصله پس از آغاز اعتصاب کارگران در جلوی ساختمانها پیکت کردند و اتحادیه های دیگر از جمله اتحادیه کارگران پست در حمایت از کارگران اعلام داشتند که از خطوط پیکت عبور نخواهند کرد. روز ۲۴ آوریل، در بیش از ۱۰۰ ساختمان، توافقات جداگانه ای صورت گرفت اما از آنجا که نمایندگان مالکین حاضر نشدند با مابقی اعتصابیون مذاکره کنند اعتصاب ادامه یافته است.

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۱ آوریل، بیش از ۳۰ هزار کارگر خدمات ساختمانی شاغل در ۴ هزار مجموعه ساختمان آپارتمانی در نیویورک دست به اعتصاب زدند. نظامتچی ها، باربها، آسانسورچی ها، رفتران، دربان ها و کلیه کارگران ساختمانها در این اعتصاب شرکت داشتند. به گزارش "ورکرز ادوکیٹ" چاپ آمریکا، اعتصاب بدنبال سیاست جدید مالکین ساختمانها که توسط یک آژانس کاهش نمایندگی می شدند آغاز شد. کاهش دستمزد و مزایای درمانی، کم کردن

کارگران امروز

گفتگو با امین باقری پیرامون اوضاع جنبش کارگری ایران

امین باقری از سال ۱۳۵۰ تا سال ۶۸ که به خارج از کشور عزیمت کرد، در چایخانه‌های مختلف تهران مشغول بکار بوده است. وی در سال ۵۸ از جمله افراد هیات موسس و فعالین سندیکای مستقل کارگران چاپ بود و برای مدتی نیز بعنوان بازرس این سندیکا انتخاب شد. سندیکای مستقل کارگران چاپ تهران که تلاش عمده خود را برای رسمیت یافتن از طرف دولت قرار داده بود، سرانجام در سال ۱۳۶۱ توسط جمهوری اسلامی منحل گردید. مصطفی صابر همکار کارگر امروز گفتگویی با امین باقری داشت که بخش هایی از آنرا خواهید خواند:

کارگر امروز: موقعیت کارگران ایران را بطور کلی چگونه می بینید؟
امین باقری: اعتراض فردی و جمعی کارگران برای دستیابی به مطالبات اقتصادی بطور مرتب و مخصوصا در دهه اخیر جریان داشته است. البته با ویژگیهای خودش. حال قانون کار مطرح بوده، طرح طبقه بندی مشاغل، کاهش ساعت کار و اضافه دستمزد مطالبه شده، بهر حال این اعتراض کارگران به شرایط موجودشان است.
کارگر امروز: گرهی ترین مسائل این اعتراض چه بوده؟
امین باقری: گره و مشکل اصلی کارگران فقدان تشکلی است. تحت اختناق حکومت اسلامی کارگران هیچ صنف و کارخانه‌ای نتوانسته‌اند تشکل واقعی خودشان را بوجود بیاورند و حاکمیت بدون قید و شرط انجمن اسلامی برقرار بوده است.
کارگر امروز: منظورتان از این حاکمیت بدون قید و شرط چیست؟
امین باقری: همانطور که می دانید انجمن اسلامی چماق رژیم است برای پاشاندن تشکلهایی که کارگران بوجود می آورند. کارگران در موارد معین و برای دستیابی به خواسته‌هایی معین - نظیر آنچه که در ابتدا گفتم - تشکلهای منطقی بوجود می آورند. اما این وظیفه انجمن های اسلامی است که کارگران فعال و کسانی که ظرفیت تشکل کردن سایرین را دارند شناسایی کنند و لو بدهند تا این تشکل توسط نیروهای سرکوب و پلیس داغان بشود. طی ده سال گذشته کارگران می بایست از جان مایه می گذاشتند و طرح یک خواسته و گرفتن یک مطالبه دیگر مبارزه با مرگ بود که بصورت عصیان در محیط کار بیرون می زد و کار حتی به کتک کاری با انجمن اسلامی کشیده می شد.
کارگر امروز: شما بر انجمن اسلامی تاکید دارید، اما رژیم شوراهای اسلامی را هم دارد، و خانه کارگر که ستاد تشکلیاتی و رهبر هر دو

اینطور نیست. اینجا دیگر نمی شود پانصد کارگر را برد به زندان.
کارگر امروز: از بین خواسته‌هایی که در اعتراضات فعلی مطرح می شود، کدام اولویت و جنبه تعیین کننده برای کارگران دارد؟
امین باقری: هر کارگری که هر جا استخدام می شود، از همان ماه دوم می گوید دستمزد من کم است. و هرچه هم به حقوقش اضافه کنند از آنطرف قیمت مایحتاج زندگی بصورت سرسام آور بالا می رود. خواسته دیگر خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل رژیم است که چیزی به دستمزدها اضافه کند. بعد مساله ساعت کار است. اکنون کارگران بیشتر از زمان شاه و روزانه تا ۱۴ ساعت کار می کنند. علاوه بر هشت ساعت کار عادی تو جمهوری که لااقل ۴ ساعت اضافه کاری کنی که تا از پس اجاره خانهای ۸ - ۹ هزار تومانی برآیی. در مراکز بزرگ که رژیم از آنها حساب می برد کارگران خواهان تعطیل پنج شبه ها یا دو روز تعطیل در هفته‌اند. و همینطور ۴۰ ساعت کار. اما باید توجه داشت که امروز مساله گرانی و افزایش دستمزد مهمتر از همه است و کاهش ساعت کار در درجه بعد قرار دارد.
کارگر امروز: در مورد طرح مطالبه ۳۵ ساعت کار چه می گوید؟
امین باقری: من مخالفش نیستم، اصلا موافق ۲۵ ساعت کار هستم، ولی بحث اینجاست که این فقط یک آرزوست. تا وقتی یک تشکل قدرتمند کارگری وجود نداشته باشد که کارگر بتواند خواسته‌هایش را به دولت تحمیل بکند، ۳۵ ساعت کار فقط چیزی است که بر یک کاغذ یا روزنامه نوشته شده است. فقط یک خواسته است، که از این خواسته‌ها ما زیاد مطرح کرده‌ایم و به هیچکدامش دست پیدا نکرده‌ایم. چرا که قدرت اجرایی نداریم. عمده ترین ابزار قدرت ما تشکل و اعتصاب است که فاقد آن هستیم. اگر اینها را داشتیم دو تا نماینده می فرستادیم و ۳۵ ساعت کار را می خواستیم و اگر قبول نمی کردند از فردا در سراسر ایران اعتصاب می کردیم.
کارگر امروز: خوب همین استدلال را می شود در مورد افزایش دستمزد هم گفت: چون فاقد تشکل هستیم پس افزایش دستمزد عملی نیست. و تا آن تشکل نیست نباید آنرا مطالبه کرد؟
امین باقری: ما خواسته‌های زیادی داریم. ما موافقیم که ۳۵ ساعت کار بشود. ما خواهان افزایش دستمزد هستیم. اما بحث اینجاست که چون قدرت اجرایی نداریم اینها فقط در حد یک خواسته است. در خیلی جاها به اعتراضات پراکنده دست زدیم و سرکوب شدیم و به خواسته‌هایمان نرسیدیم. نمونه هایش هم زیاد است.
کارگر امروز: در مورد قانون - کار جمهوری اسلامی چه نظری دارید؟
امین باقری: قانونی را که امثال پسر حاج اسدالله بنشینند و برای ما تصویب کنند، من قبول ندارم. قانونی که توسط نمایندگان واقعی طبقه کارگر توسط نمایندگان شوراهای و تشکل

های کارگری تایید نشده باشد اعتبار ندارد. این قانون کار جمهوری اسلامی پرونده‌ای بود که از این ارگان به آن ارگان حواله می شد. تنها چیزی که خوب بود همان ۳۰ روز مرخصی است که اینهم لابد آتقدر اما و اگر برایش می گذارند که آنرا ندهند. یعنی ضمانت اجرایی ندارد.
کارگر امروز: کارگران چاپ که شما با آنها تماس داشتید راجع به این قانون چه می گفتند؟
امین باقری: تا آنجایی که من شاهد بودم هیچکس از کارگران این قانون را قبول نداشتند. یک بحثی بین ما بود که هر وقت دولت می خواهد چیزی را نهد برای آن قانون می گذارد. اگر رژیم واقعا می خواست حقوق اجتماعی کارگر را به او بدهد لااقل تشکلهای کارگری را سرکوب نمی کرد، محدود نمی کرد و یا آنرا از هم نمی پاشاند. قانونی که موقع تصویب آن نماینده طبقه کارگر در زندان است، سرکوب شده و اعدام شده و هیچ نقشی در آن نداشته است از درجه اعتبار ساقط است.
کارگر امروز: سوال عمومی تری را مطرح می کنیم. بنظر شما الان در بین کارگران ایران و دستمزد کارگران چاپ که بیشتر با آنها تماس داشتید چه گرایشات و تمایلاتی عمل می کنند؟
امین باقری: دو گرایش مشهود است. یکی که مسئله‌اش طبقه کارگر نیست، هنوز با گذشته خودش زندگی می کند و در واقع فقط در جهت بعضی رفورها عمل می کند که توانایی اینها هم ندارد و عملا هوس و همگام با انجمن اسلامی قرار می گیرد. بقول معروف گرایش راست که ما از آن ضربه‌ها خوردیم. یک گرایش دیگر کارگرانی هستند که مفهوم طبقاتی بودن جامعه را می فهمند و می دانند که مبارزه علیه طبقات حاکم جریانی تاریخی است که ادامه دارد. گرایش است که ماهیت انجمن اسلامی را افشا می کند و معتقد است که طبقه کارگر باید تشکلهای خودش را داشته باشد، باید نماینده خودش را داشته باشد، باید پیوند جهانی با کارگران کشورهای دیگر داشته باشد. نه اینطور که هر وقت بلایی سرمان می آوردن بقل دستی ما هم مطلع نشود.
کارگر امروز: این گرایش رادیکال که از آن صحبت می کنید چه نفوذی در بین کارگران دارد؟
امین باقری: نمی توانم ارقام و عدد ارائه بدهم. اما این تمایل خودبخود در بین کارگران وجود دارد. عملش هم این بوده که انجمن اسلامی را قبول نمی کنند، یا جناح راست جنبش کارگری برخورد می کند. همین اخیرا در کار کارگران امروز خواندم که کارگران چاپ علیه مسئولین تعاونی اعتراض کرده‌اند که این مسئولین دقیقا همان راستها هستند. این گرایش رادیکال نفوذ زیادی دارد. نه بصورت تشکیلات بلکه بصورت تفوذ فکری و عمده‌ا محافل که در بین کارگران کار می کند.
کارگر امروز: موقعیت ایده‌های سوسیالیستی و کمونیستی در بین کارگران ایران چگونه است؟
امین باقری: من به این قضیه خیلی خوش بین هستم. بویزه بعد از سال ۶۱ - ۶۰ کارگران به این فکر

افتاده‌اند که خودشان چه نقشی در این جامعه دارند. چیزی بنام سوسیالیسم تعلق به کدام طبقه دارد. دیدند که ابزار مبارزه خود آنهاست. امروزه دستمزد کارگر پیشرو به این ضرورت رسیده که اگر خودش دست به عمل نزند و نتواند صنف خودش، کارخانه خودش و جنبش کارگری را سر و سامان بدهد، از جریانات دیگر انتظار بیهوده است. امروزه جنبش کارگری دارد با سوخت و سازهای خودش شکل می گیرد. اینرا امروز مثلا در صنعت چاپ و با جاهای دیگر که من تماس داشتم بروشنی می توان دید.
کارگر امروز: مشخصا اگر الان بین کارگران بروی و در باره کمونیسم صحبت بکنی چه جواب می دهند؟
امین باقری: اگر بخواهم جواب دقیقی بدهم باید کارگران را به سه دسته تقسیم بکنم. یکی کارگران پیشرو هستند که همیشه بحث اینها مساله کمونیسم بوده و این که طبقه کارگر باید قدرت اجتماعی را بدست بگیرد. اگر بخواهیم قشر میانی کارگران را بررسی کنیم، آنها با شک و شبیه به مساله نگاه می کنند. بخشی از آنها می گویند اینها ایده‌های خوبی است و بعضی هاشان می گویند این بود سوسیالیسم؟! این سوسیالیسم از هم پاشیده در شوروی و اروپای شرقی. اما افسار پایی آتقدر زیر بیماری تبلیغاتی بوده‌اند که اصلا آمادگی پذیرش این مسائل را ندارند.
کارگر امروز: کلا تحولات شوروی و اروپای شرقی چه بازتابی در بین کارگران سوسیالیست و کمونیست در ایران دارد؟
امین باقری: اول اینکه در ایران هر کارگری که با الفبای کمونیسم آشنا شده آموخته که شوروی سوسیالیستی نبود. دوم اینکه همیشه یک بحثی بین ما بود که شکست اینگونه سوسیالیسم ابتدای پیروزی کارگران جهان است. و هیچگاه نیز دچار این توهم نشدیم که این سوسیالیسم است که شکست خورده است. مساله ساده است، ما کار می کنیم و دیگران می خورند. خوب چه باید بکنیم که همه کار بکنیم و همه بخورند.
کارگر امروز: در مورد فعالیت کارگری در خارج از کشور چه فکر می کنید؟
امین باقری: بنظرم رسالت بزرگی بر دوش کارگران مقیم خارج کشور است. الان در ایران اگر بادی به کراوات یک بورژوا بخورد خیلی ها در جهان از آن مطلع می شوند و آن باد را محکوم می کنند اما بسیاری از کارگران زندانی و اعدام می شوند و اتحادیه های کارگری حتی از سر نوشت رفقایشان در ایران مطلع نمی شوند. این یعنی در کارگران فعال در خارج کشور است که جنبش کارگری ایران و مسائل آنرا برای کارگران سایر کشورها بازگو کنند و پیوند ارگانیک بین آنها بوجود بیاورند. باید آنها بفهمند که چه بلایی سر ما آمده است. باید قانون کار ارتجاعی رژیم بند به بند با اتحادیه‌های کارگری بحث بشود. باید آنها بدانند که ما برای سوسیالیسم کلی تیرباران داده‌ایم و برای خواسته‌های خودمان در هیچ مقطعی کوتاه نیامده‌ایم. و باید ما را یاری کنند.

شش سال اعتصاب ن کنید

هزار نفر شغل خود را از دست داده‌اند. ۱۵۱ هزار نفر از این تعداد در ماههای ژانویه و فوریه ۹۱ بیکار شده‌اند. در حال حاضر نرخ بیکاری در کانادا به ۱۰/۸ درصد رسیده است و ۱/۴ میلیون نفر بیکار هستند.
بر اساس ابتکار "جرالد ترامپلی" وزیر صنعت ایالت فرانسوی زبان "کپک" سرمایه گذاری تنها به شرطی صورت خواهد گرفت که کارگران کارخانه که تحت پوشش اتحادیه هستند از حق اعتصاب خویش به مدت شش سال چشم ببوشند. در مقابل "اطلس" تضمین می کند که هیچیک از کارگران شاغل فعلی اخراج و یا از

تلخیص شده از: "کلوب اند میل" چاپ کانادا
"سامی گروپ" شرکت اختصاصی سازنده فولاد در کره جنوبی برای نوسازی و گسترش کارخانه فولاد اطلس در شهر "ترسی" کانادا به این شرط که کارگران پمدت شش سال از حق اعتصاب خویش استفاده نکنند، مبلغ پانصد میلیون دلار سرمایه گذاری خواهد کرد و موجب حفظ ۵۸۱ شغل و ایجاد ۳۳۱ شغل جدید خواهد شد. این قرارداد در موقعیتی منعقد شده است که طی یک سال گذشته ۳۰۵

خواستار سیاسی مبنی بر اشتغال کامل هستیم. قرارداد اطلس یک مدل است ولی یکی از چندین مدلی است که باید اجرا شود.
"آندره تامپلی" از نمایندگان "کارگران متحد فولاد آمریکا" در مورد این قرارداد گفت، این می تواند راهی جدید برای رسیدن به اهدافمان باشد. آیا این روزها اعتصاب راهی است صحیح؟
در همین حال "میشل ریوکس"، سخنگوی "کنفدراسیون ملی سندیکاهای" گفت، وقتی به بسته شدن کارخانه‌ها و اوضاع کمپانی‌ها نگاه می کنیم، تضمین چندانی برای شغلها وجود ندارد. وی افزود، ۹۴ درصد کارگرانی که در رای گیری شرکت کرده‌اند به این قرارداد رای موافق داده‌اند.
طی دوازده سال گذشته، در این کارخانه دو اعتصاب مهم رخ داده است. اعتصاب سال ۷۹ که ۹ ماه و دیگری در سال ۸۵ که ۳ ماه بطول انجامید.

"کارگران متحد فولاد آمریکا" و "کنفدراسیون ملی سندیکاهای" (سی اس ان) که کارگران اطلس در آنها متشکل هستند چنین اظهار کرده‌اند: آقای "کلمنت داگبات"، رئیس بخش "کپک" "کارگران متحد فولاد آمریکا" طی مصاحبه‌ای گفت، قرارداد شش ساله شامل "نه اعتصاب، نه کاهش مزایا" سنتی برای مذاکرات آینده کارگران نخواهد شد و اگر وزیر صنعت فکر می کند این طرح الگو می شود و ما در مورد حق اعتصاب کوتاه خواهیم آمد بزودی متعجب خواهد شد. وی افزود ما مایلم هر پیشنهاد خیالی برای حفظ مشاغل را بشنویم، ولی ته پیشنهادی که قدرت ایستادن را از کارگران سلب می کند.
در این رابطه "فرناندو داوست"، رئیس جدید فدراسیون کار "کپک" گفت، قرارداد اطلس غیر معمول بود اما بی سابقه نبود. وی افزود، تشکلهای کارگران همیشه برای پذیرش ایده‌های جدید آماده بوده‌اند. ما

مزایای استخدامی محروم نشوند. بر طبق این قرارداد که توسط دولت، کمپانی و اتحادیه منعقد شده است، در پایان سال ۹۳ امکان مذاکره در مواردی چون دستمزد و هزینه زندگی وجود خواهد داشت ولی موضوع اعتصاب غیر قابل مذاکره است.
خانم "دومینک لاپرت" از همکاران وزیر صنعت گفت، برای اینکه یک کمپانی تا این میزان سرمایه گذاری کند لازم است که آرامش کارگران تضمین شود. این باید معلوم باشد که هیچ مسئله‌ای وجود نخواهد داشت.
"ترامپلی" وزیر صنعت در همین رابطه به خبرنگاران گفت، مدل‌های ژاپنی و آلمانی وجود دارند و این هم مدل ما خواهد بود، مدلی بر اساس ارزشهای "کپک". وی افزود، قیلا بحثهایی برای احیای کارخانجات دیگر صورت گرفته است و قراردادهای "بدون اعتصاب" می تواند بزودی در صنایع پرواز، نساجی و کفش هم بعمل در آید.
تعدادی از نمایندگان و مسئولان

پیرامون وضع کارگران فلسطین و مهاجر بعد از جنگ آمریکا در خاور میانه

«مارتی روزن بلات» یکی از فعالین سرشناس جنبش کارگری فلسطین و عضو «مرکز دفاع از حقوق اتحادیه‌ای» در اسرائیل است. همکار ما علی جوادی درباره تاثیر جنگ آمریکا در خاورمیانه بر اوضاع کارگران فلسطینی با وی گفتگویی داشت که بخشهایی از آنرا خواهیم خواند.

*** کارگر امروز: جنگ آمریکا در خاورمیانه پایان یافت.**
*** مارتی روزن بلات:** جنگ آمریکا در خاورمیانه تمام نشده است. سربازان آمریکایی کماکان در منطقه هستند و مهمتر اینکه آمریکا می‌خواهد به هر قیمتی که شده و بدون در نظر گرفتن تاثیر آن، سیاست خارجی خود را در منطقه دنبال و پیاده کند.
*** ک.ا:** تاثیر جنگ بر کارگران مهاجر در خاورمیانه و منطقه خلیج چه بوده است؟
*** م.ر:** صدها هزار کارگر جابجا شده و کارشان را از دست داده‌اند و به ناچار کشوری را که در آن کار می‌کردند، ترک گفته‌اند. اکثر این کارگران مجبور شدند وسایل زندگی خود را جا بگذارند و بدون دریافت خسارت از کارفرما فرار کنند. این وضعیت در تمام کشورهای خلیج صدق می‌کند.

*** ک.ا:** آیا آماری از تعداد تلفات کارگران در جنگ وجود دارد؟

*** م.ر:** هیچکس تعداد اجساد را نشمارده است. هیچکس به خود زحمت شمارش کشته شدگان در عراق و عربستان سعودی را نداده است. هیچکس از تعداد تلفات غیر نظامی و نظامی در کارگران مهاجر خبر ندارد و من واقعا جرئت نمی‌کنم تعداد تلفات در میان کارگران عراق را حدس بزنم.

*** ک.ا:** سرنوشت فلسطینی‌ها در کویت چه شده است؟ چه آنهایی که در کویت ماندند و چه کسانی که آنرا ترک کردند.

*** م.ر:** آنهایی قبل از حضور نیروهای آمریکایی کشور را ترک کردند، عمدتا به اردن رفتند. تعداد خیلی کمی از آنها موفق شدند به مناطق اشغالی بروند زیرا کارت شناسایی لازم را که توسط ارتش اسرائیل داده می‌شود نداشتند و یا اصولا این حق از آنان گرفته شده است. اغلب این فلسطینی‌ها که از سال ۱۹۴۸ در کویت پناهنده بودند، با این وضعیت کجا می‌توانستند بروند؟ آنها به هیچ کشوری تعلق ندارند. پناهندگان فلسطینی با اینکه ۳۰ تا ۴۰ سال در کویت زندگی کرده‌اند یا در آنجا بدنیا آمده‌اند شهروند این کشور بحساب نمی‌آیند، حق اقامت در کویت ندارند و صرفا کارگر مهاجرند. همسایه من دکتر است و در کویت بدنیا آمده است. پدرش معلم بود و دولت کویت همه خانواده را تبعید کرد. بدون بازرسی و محاکمه و فقط با گفتن اینکه ما دیگر به شما احتیاج نداریم از کشور اخراج شدند.

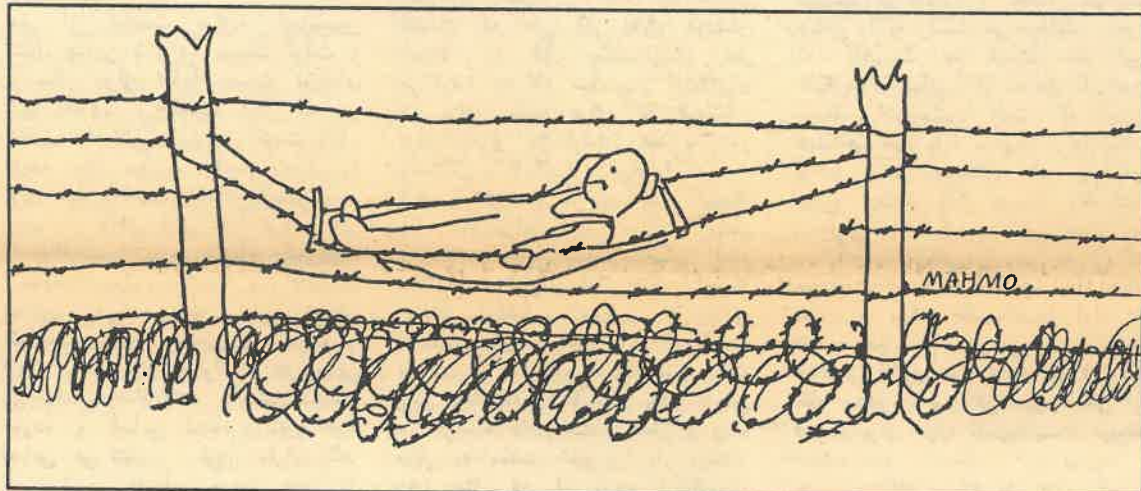
*** ک.ا:** وضعیت کارگران فلسطینی در مناطق اشغالی چگونه است؟ تاثیر جنگ بر روی آنان چه بوده است؟

*** م.ر:** از شروع جنگ هوایی و بعد از آن در کناره غربی و نوار غزه برای مدت ۷ هفته و بیست و چهار ساعته حکومت نظامی حاکم بود. همه کارخانه‌ها و کارگاهها تعطیل بودند و بجز مواردی که هیچ‌کس نمی‌توانست به سر کار برود. دهقانان نمی‌توانستند محصولات خود را جمع‌آوری کنند و به بازار بیاورند. کارخانه‌ها برای مدت ۷ هفته تعطیل بودند. کارگرانی که در اسرائیل کار می‌کردند نمی‌توانستند بر کارشان بروند. کارگران برخی کارخانجات که اخیرا

قرارداد اتحادیه‌ای شاملشان می‌شود توسط صاحبان کارخانه اخراج می‌گردند و کارگران غیر اتحادیه‌ای بجای آنها استخدام می‌شوند. و وقتی اتحادیه اعتراض می‌کند صاحبان کارخانه می‌گویند «مثلا بگویند چکار کنیم؟»، «حتما از ارتش می‌خواهید که ما را دستگیر کند!»، «چه کاری از دستان بر می‌آید؟»
*** ک.ا:** موضع «هیستادروت» (اتحادیه سراسری کارگران کارگران اسرائیل) درباره کارگران فلسطینی چه بوده است؟
*** م.ر:** هیستادروت مثل همیشه نقش نسبتا منفی داشته است. چه در ظرفیت کارفرما و چه در ظرفیت اتحادیه. هیستادروت در ظرفیت بعنوان اتحادیه هیچ کاری برای کارگران نکرده است. از کارگران اخراجی حمایت نکرده و به کارگرانی که کارشان را از دست داده‌اند خدمات لازم را نداده است. و در ظرفیت بعنوان کارفرما همان کاری را می‌کند که کارفرمای اسرائیلی انجام می‌دهند. یعنی اخراج کارگران فلسطینی و بجایشان استخدام یهودی‌های روسی. فلسطینی‌هایی که بیش از ۲۰ سال در کنویراتیوهای

از دو سه هفته از پس آن بر نمی‌آیند. مهاجرین روسی می‌خواهند دکتر، مهندس و وکیل بشوند و حاضر نیستند دست به کاری بزنند که سنتا کار عربها بحساب می‌آمده است.
*** ک.ا:** نرخ اشتغال در مناطق اشغالی چقدر است؟
*** م.ر:** در حال حاضر بین ۳۰ تا ۳۳ درصد است.
*** ک.ا:** تعداد کارگران فلسطینی که پس از جنگ بازگشته‌اند چقدر است؟
*** م.ر:** تعداد آنها هر روز تغییر می‌کند. دولت دائما تلاش می‌کند که تعداد بیشتری فلسطینی وارد کشور شود. چون کارگران یهود حاضر به کار کردن بخصوص در عرصه ساختمان سازی نیستند. درست بعد از خاتمه جنگ دولت به ۶ هزار فلسطینی اجازه ورود به کشور داد. هم اکنون این تعداد کم کم به ۱۰ هزار و ۲۰ هزار نفر می‌رسد. دولت همچنین ۷۵ هزار اجازه کار به کارگران داده است. البته مشکلات زیادی نیز وجود دارد. مثلا در نوار غزه کارگران حق ندارند این منطقه را ترک کنند و فقط با سرویسهایی که کارفرما در اختیارشان گذاشته است

ناسیونالیسم عرب در میان کارگران فلسطینی چیست؟
*** م.ر:** فدراسیون سال پیش موضع متفاوتی نسبت به موضع «ساف» گرفت. موضع فدراسیون همانطور که در نامه‌اش خطاب به فدراسیون اتحادیه‌های کارگری فلسطینی‌ها در تونس نوشته بود اینست که «پی.تی.یو.اف» نمی‌بایست از عراق حمایت می‌کند. فدراسیون گفت: «ما از حضور نیروهای ارتشی آمریکا در خلیج دفاع نمی‌کنیم و همزمان اعلام می‌کنیم که جمعیتی که خود تحت اشغال زندگی می‌کند نمی‌تواند از یک اشغال دیگر دفاع کند.» بنظر فدراسیون، «پی.تی.یو.اف» می‌بایست موضع دیگری می‌گرفت. مسلما ناسیونالیسم عرب نقش مهمی ایفا می‌کند. مردم احساس می‌کردند که آمریکا در امور داخلی عربها دخالت بیجا می‌کند.
*** ک.ا:** آیا موقعیت ناسیونالیسم عرب در جریان اتفاقات اخیر تحکیم شده است؟
*** م.ر:** اتفاقات اخیر حتما باعث برجسته شدن ناسیونالیسم شده است. در سطح دولتها دنیای عرب بیشتر از گذشته متفرق شده است. یکی از نکات این جنگ حمایت کشورهای عرب از ائتلاف برهبری آمریکا است. عراق و اردن در یک جناح و الجزایر، تونس، و مراکش در جناح دیگر و بسیاری نیز بیطرف بودند. هیچ موضعی نگرفتند و با دخالت آمریکا هم مخالفت نکردند. در تمام این



کشورها اعتراضات وسیعی علیه ائتلاف برهبری آمریکا شکل گرفت. کسی خبر ندارد در عربستان سعودی چه گذشت و چه نوع تظاهرات و اعتراضاتی علیه آمریکا وجود داشت. خیلی‌ها علیه پادشاه اردن و حمایت وی از صدام حسین بودند ولی واقعتا اینست که پادشاه اردن امیال مردم کشورش را نمایندگی می‌کرد. جالب اینجاست که اردن پس از تغییراتی که در آخرین انتخابات تریپل در دولتش بوجود آمد دموکراتیک ترین کشور در بین کشورهای عرب دیگر منطقه است. اما دولت آمریکا اعلام کرده است که کمکایش به اردن را قطع می‌کند و همزمان از کشورهای بحرین و عربستان سعودی که مستبد و پادشاهی هستند به اسم دموکراسی حمایت می‌کند.
*** ک.ا:** نفوذ گرایش «بنیادگرای اسلامی» درون کارگران فلسطینی چقدر است؟
*** م.ر:** اگر کل جمعیت را در نظر بگیریم باید بگویم که نفوذ آن در حال رشد است. بخصوص در نوار غزه. ولی آنها تاکنون هیچ برنامه‌ای برای کارگران ارائه نداده‌اند. اگرچه کارگران از نظر اعتقادات شخصی بنیادگرا هستند ولی تا آنجا که به منافعشان بعنوان کارگر برمی‌گردد به جایی جز فدراسیون اتحادیه‌های کارگری رجوع نمی‌کنند. «بنیادگراها» هیچ اتحادیه‌ای موازی اتحادیه‌های موجود ایجاد نکردند.
*** ک.ا:** عکس‌العمل کارگران فلسطینی نسبت به فعالیتهای دیپلماتیک آمریکا بعد از خاتمه جنگ چه بوده است؟
*** م.ر:** عکس‌العمل کارگران هم مانند سایر اقشار جامعه بود. مردم عموما نسبت به این اقدامات بدبین هستند و نقش آمریکا را مثل همیشه

این طرف و آن طرف می‌روند. کارگران در چادرها در انتظار ماشینهای کارفرما می‌نشینند و سپس نیروهای ارتشی داد می‌زنند که به ۲۰ کارگر احتیاج است و مسئولین کارفرما به داخل چادرها می‌روند و پس از چک کردن بازوهای کارگران، آنهایی که از همه پر زورتر هستند را با خود می‌برند. واقعا که صحنه سیاهی است.
*** ک.ا:** جنگ آمریکا چه تاثیری بر رابطه کار و سرمایه در مناطق اشغالی داشته است؟ می‌دانیم که جنبش کارگری قبل از شروع جنگ رو به رشد بود. وضعیت جنبش بعد از شروع جنگ چگونه بوده است؟
*** م.ر:** این جنگ اساسا این موقعیت را به اسرائیل داد که راههایی که همیشه می‌خواست انجام دهد را بچلو ببرد. بطور مثال با شروع حکومت نظامی «فدراسیون عمومی اتحادیه‌های کارگری» نتوانست جلسات خود را برگزار کند. بطور رسمی کرانه غربی و مناطق اشغالی تحت حکومت نظامی نبودند ولی بخاطر سیستم جدید عبور و مرور، رفتن از کرانه غربی به اورشلیم تقریبا غیر ممکن است. کمیته اجرایی فدراسیون نتوانسته است به اورشلیم برود. اما از ورود فلسطینی‌هایی که حتی کارت عبور هم دارند بعضا جلوگیری شده است. هفته پیش «جرج هاسیو» نایب منشی فدراسیون که کارت عبور هم دارد، برای آمدن به اورشلیم ۵ روز تلاش کرد ولی هر دفعه از ورودش به شهر جلوگیری کردند. اسرائیلی‌ها عبور و مرور را برای فلسطینی‌ها غیرممکن کرده‌اند و این تاثیر تکانه‌دهنده‌ای بر کارگران می‌گذارد.
*** ک.ا:** عواقب ایدئولوژیکی این جنگ چه بوده است؟ جایگاه

«ای.جی.» که توسط هیستادروت اداره می‌شوند، کار کرده‌اند بدون دریافت خسارت اخراج شده‌اند. موضع هیستادروت در اینباره چنین است: کارگران به سر کار نیامدند و معنائش اینست که دیگر مایل به کار کردن نیستند.
*** ک.ا:** پروسه جابجایی که دولت اسرائیل اخیرا تحمل کرده است، چیست و تا چه درجه‌ای عملی شده است؟
*** م.ر:** اسرائیلی‌ها در تلاشند طرحی را پیاده کنند که سالها در انجمنش ناموفق بوده‌اند. این طرح چنین است: دادن پاداش مادی به کارفرمایانی که کارگران یهودی استخدام می‌کنند و همچنین به خود کارگران یهودی. چریمه کارفرمایانی که کارگران غیرقانونی استخدام می‌کنند. دولت بدین صورت کارفرماها را ناچار می‌سازد که کارگران فلسطینی را اخراج و بجایشان کارگران یهودی استخدام کنند. این سیستم هیچگاه آنطور که دولت می‌خواست پیش نرفت و کارگران فلسطینی که برای انجام اینکارها مناسبتر هستند سر جای خود ماندند. البته یک دلیل دیگر آن امتناع کارگران یهودی از انجام این نوع کارهاست. چون نیروی کار کارگران فلسطینی خیلی ارزان است کارفرماها و دولت هیچ دلیلی برای استفاده از تکنولوژی بهتر نمی‌بینند. بطور مثال، صنعت کار ساختمانی خیلی عقب افتاده است و تماما با کار دستی و بدون استفاده از ماشین آلات پیشرفته صورت می‌گیرد. همه می‌پنداشتند که طرح دولت موفق شده است. ولی طولی نکشید که کارفرمایان صنعت ساختمان سازی متوجه شدند که کارگران روسی بیش

در حمایت از منافع اسرائیل در سازمان ملل و جامعه بین‌المللی می‌بینند و اینکه آمریکا اساسا مانع ایجاد صلح در خاورمیانه است. بنابراین فکر نمی‌کنم مردم اعتماد زیادی به ابتکار عمل آمریکا در زمینه صلح داشته باشند. بگمانم مردم حاضرند با آمریکا به بحث بنشینند و به حرفهایش گوش کنند و یکبار دیگر به آمریکا بگویند که تنها راه مذاکره با فلسطینی‌ها از طریق ساف می‌گذرد. مردم نسبت به الکترونیکی‌های نوع اردن و تلاشهای اسرائیل و آمریکا برای تعیین تکلیف کردن با «ساف» بدبین هستند.
*** ک.ا:** بگذارید یک سوال دیگری بکنم. نظراتان راجع به نظم نوین جهان و تاثیر آن در کارگران منطقه چیست؟
*** م.ر:** نظم نوین جهان یک عبارت عامه پسند و گول زنک انتخاباتی و تلوویزیونی است. منظور آمریکا از این عبارت اینست: اولاً، آمریکا می‌تواند برای پیشبرد سیاست خارجی‌اش از نیروی نظامی استفاده کند، و ثالسا کنترل منابع مهم مثل نفت را بدست گیرد.
*** ک.ا:** آیا فکر می‌کنید با جنگ خاورمیانه جهان با نظر دیگری به کارگران فلسطینی می‌نگرد؟
*** م.ر:** مهمترین مسئله‌ای که کاملا جدی است معرفی نادرست وضعیت فلسطینی‌ها توسط دولت‌های غربی است. این جنگ تصویر اسرائیل را بعنوان یک کشور دموکراتیک در محاصره نیروهای دیگر در خاورمیانه احیا کرد. ناگهان نقض حقوق بشر در اسرائیل در سه سال دوره قیام فلسطین و دوره بعد از ۱۹۶۷، از اذهان عمومی زوده شد. بازار مشترک مجددا روابط خود را با اسرائیل در زمینه همکاری‌های آکادمیک از سر گرفت. اینروها مشکل بتوان مردم را به پای سخنرانی فلسطینی‌ها در آمریکا و اروپا آورد. این البته برای کارگران فلسطینی که بعد از سالها تلاش موفق شدند اتحادیه خود را به اتحادیه‌های کشورهای غربی بشناسانند، گران تمام می‌شود. جنگ از ظرفیت و توان اتحادیه‌های فلسطینی در انعکاس فعالیت‌هایشان در خارج کشور کاسته است. مشکل بتوان تاثیر جنگ بر سازمان جهانی کار (آی.ال.او) را ارزیابی کرد. به گمانم کنفرانس «آی.ال.او» در ماه ژوئن اسامال درباره حقوق مدنی کارگران کویتی و مشکلات سایر گروهها در منطقه و نه فقط (آنطور که در گذشته رسم بود) کارگران فلسطینی بحث خواهد کرد. از این زاویه جنگ تاثیر داشته است. ولی ارزیابی اینکه طرفداری از فلسطینی‌ها تا چه حد مشروعیت خود را از دست داده است کار مشکلی است.
*** ک.ا:** از وضعیت هائی بیدون چه خبر دارید؟
*** م.ر:** چیز جدیدی اتفاق نیفتاده است و هنوز در زندان است. او از جمله دهها فعال اتحادیه‌ای است که در بازداشت مقامات اسرائیلی بسر می‌برند یا تحت اتهام دروغین عضویت در یک تشکیلات غیر قانونی زندانی شده‌اند.
*** ک.ا:** کارگران دیگر در حمایت از کارگران فلسطینی چه می‌توانند بکنند؟ شما در حال حاضر چه کمکی نیاز دارید؟
*** م.ر:** مهمترین چیزی که شما می‌توانید انجام دهید اینست که اتحادیه‌های آمریکا را به داشتن یک خط مشی متوازن در قبال مسئله خاورمیانه ترغیب کنید. اتحادیه‌های آمریکا برای سالهای متوالی روابط محکمی با هیستادروت داشتند. من فکر می‌کنم دیگر وقتش رسیده است که اتحادیه‌های آمریکا روابط نزدیکی هم با فلسطینی‌های کرانه غربی و نوار غزه ایجاد کنند. تا آنجا که به مسائل فوری برمی‌گردد اتحادیه‌های آمریکا باید کل این مسئله که در طی جنگ بر سر کارگران فلسطینی چه آمد را پیش بکشند و از روابط خود با هیستادروت برای بهبود وضعیت کارگران استفاده کنند.

نقش ناسیونالیسم در

تراژدی کرد

ایرج آفرین

در اواسط ماه مه یک کسرت خیره در ومبلی ختم توجه رسانهها را نسبت به مساله کرد بنحو سمبولیکی اعلام کرد. با استقرار "اردوگاههای امن"، و با حضور رهبران کرد در بغداد و خبر توافق آنها با دولت مرکزی، ظاهرا افکار عمومی جهانی دیگر موجب چندان توجهی برای مساله کرد نداشت. مساله کرد نخست به مساله "آوارگان کرد" تنزل داده شد، تا بعد حتی ریشههای سیاسی فاجعه آوارگی نیز در هیاهوی زودگذر اقدامات خیره مسکوت بماند. اما، برخلاف افکار عمومی، مردم کرد نمی توانند به همین سادگی فاجعه آوارگی را فراموش کنند. مردم کرد بهای انسانی سنگینی را تا همینجا پرداخته اند. آوارگی هنوز ادامه دارد و، وقتی هم تمام شود، عواقب رنجبار آن تا سالها با این مردم خواهد بود. علاوه بر این، سرنوشته آبی مردم کرد از نظر سیاسی تماما در گرو اینست که چه تبیینی از رویدادهای چند ماه گذشته در کردستان عراق در میان مردم کرد مقبولیت خواهد یافت.

قربانیان امپریالیسم، ناسیونالیسم و ناسیونالیسم

فاجعه آوارگان کرد نه فقط از نظر زمانی بلکه از نظر سیاسی نیز با جنگ آمریکا در خاورمیانه پیوستگی دارد. اهداف اصلی سیاست آمریکا از جنگ با عراق ابداً به منطقه خاورمیانه و تغییر جغرافیای سیاسی آن، و حتی به مساله نفت، مربوط نبود. آمریکا برای تأمین نقش هژمونیک خود در جهان پس از جنگ سرد نیاز به یک قدرت نمایی نظامی و تحکیم پیمان ناٹو و موقعیت خود در آن داشت. اشغال کویت بهانه تعقیب این هدف آمریکا به قیمت یکی از خونبارترین جنگهای تاریخ شد. به این ترتیب میدان نظامی جنگ، خاورمیانه بود، بی آنکه آمریکا طرح خاصی برای آینده سیاسی منطقه داشته باشد. به سبب پیچیدگی سیاسی منطقه، آمریکا نمی توانست و نمی خواست به ریسک بدیهه پردازی سیاسی دست بزند. حتی اگر ارتش آمریکا خاک عراق را تماماً اشغال می کرد (چیزی که مدعی بود در توان دارد) هنوز به این معنا نبود که می تواند حکومت مطلوب آمریکا را بقدرت برساند. هر حکومتی که مستقیماً در نتیجه پیروزی جنگی آمریکا به قدرت می رسید تضاد ابدی با ناسیونالیسم عرب راه در داخل و خارج عراق، بجان خریدی بود. (چنین حالتی بخاطر امتیازی که برای اسرائیل به همراه داشت نیز از نظر بسیاری از دولتهای غربی مخالف دولت عراق قابل قبول نبود.) به این ترتیب، سیاست آمریکا از همان پیش از شروع جنگ چنین اعلام شد که تغییر حکومت عراق هدف نیست، در عین اینکه بوش، چه در طول جنگ و چه بهنگام ختم جنگ، اعلام می کرد که البته ترجیح می دهد نیروهای داخلی عراق، چنانچه بتوانند، حکومت جدیدی بر سر کار بیاورند. این نامعنی سیاست منطقه ای آمریکا به این معنا بود که "در باغ سبزی" راه هرچند در دور دست، نشان آپوزیسیون عراق می داد. آپوزیسیون عراق، از ناسیونالیسم کرد گرفته تا حزب الله شیعی، برای مطلق کردن خود با این سیاست احتمالی آمریکا انواع اختلافها را شکل دادند، و چنان خوشباورانه به این سیاست آویختند که نخواستند ببینند هر حکومت چنانچه در عراق از نظر آمریکا نمی تواند مطلوب شمرده شود. ملقمه ائتلافی ناسیونالیستهای کرد و حزب الله

عراق و حزب شیوعی، بعنوان یک حکومت الکتروناتیو، نمی توانست از طرف غرب جدی گرفته شود. اولاً ترکیبی بی افق واحد و ناپایدار می نمود، و ثانیاً پیچیدگیهای بیشتری در منطقه ایجاد می کرد. پس آمریکا هر چه بیشتر به این متناهی شد که تغییر در حکومت عراق تنها وقتی می تواند مطلوب باشد که از درون سیستم فعلی صورت بگیرد، و جرج بوش نیز آشکارا اعلام کرد که ترجیح آمریکا اینست که ارتش عراق و مقامات دولت فعلی حکومت را تعویض کنند.

از نظر احزاب ناسیونالیست کرد در عراق هیچ چیز طبیعی تر از این نبود که خود را یکسره به آمریکا گره بزنند. در واقع مدتها بود (پیش از فروپاشی بلوک شوروی) که احزاب ناسیونالیست کرد تلاش می کردند به غرب تفهیم کنند که صدقانه مایلند مطابق قوانین آنها بازی کنند. با وقوع بحران کویت ناسیونالیسم کرد دریافت که در جدال دهها ساله اش با حکومت مرکزی عراق سرانجام امکان همسویی با قویترین ائتلافی که جهان به یاد دارد را در یک تندبیب استثنائی تاریخ یافته است. ناسیونالیسم کرد یادبان امید خود را بر توهپای ناوگان آمریکا آویخت.

پس از شکست عراق، آپوزیسیون کنترل چندین شهر را بدست گرفت و کردستان عراق تماماً بدست نیروهای کرد افتاد. حکومت عراق که در تعقیب جاه طلبی هایش در کویت ناکام مانده بود، مبارزه مرگ و زندگی را برای حفظ موقعیت پلانناز ناسیونالیسم عرب در داخل عراق آغاز کرد. اگر ناسیونالیسم عرب در انتهای یک جنگ فرساینده سهم سیاسی و اقتصادی بیشتری در سرمایه داری جهانی نتوانست بگیرد، سهمی از قدرت و ثروت کشور خودی را به هر بهایی می خواست حفظ کند. ارتشی شکست خورده و قصابی شده، اکنون خود قصابی می کند. غرور ملی ای لکد کوب شده، بازیابی حرمت خود را اکنون در پایمال کردن ملتی دیگر جستجو میکند. کینه های کهنه مجیز به سلاحهای مدرن، ترکیب مرکبای است. مصائب آوارگی که دو میلیون مردم کرد سرآسیمه به استقبالش رفتند، خود بهترین تصویر از سرنوشته است که اگر در برابر ارتش عراق بر جای می ماندند در انتظار خود می دیدند.

خلاصه کنیم: لشکرکشی آمریکا به منطقه و جنگ با عراق آرایش سیاسی منطقه را درهم ریخت و معادلات سیاسی جدیدی برقرار کرد. ناسیونالیسم کرد و ناسیونالیسم عرب در عراق، تخاصم سنتی خود را اینبار در رابطه با یک سلسله سیاستهای بین المللی به یک جنگ تمام عیار رساندند. رویدادهای اخیر کردستان عراق که به آوارگی میلیونی مردم کرد منجر شد حاصل عملکرد این سه مولفه اصلی (سیاستها و جنگ امپریالیستها، ناسیونالیسم عرب در عراق، و ناسیونالیسم کرد) بوده است.

کارنامه ناسیونالیسم کرد

از میان این سه مولفه، خصوصاً بازشناختن سهم ناسیونالیسم کرد در فاجعه اخیر برای کارگران کرد اهمیت اساسی دارد. چرا که نقش عامل مستقیم سرکوب روشن است، و تشخیص اینکه سیاستهای امپریالیستی خلاف منافع مردم کرد است اکنون برای هیچکس دشوار نیست. اما ناسیونالیسم کرد، به یمن سالها هژمونی پلانناز عشق در کردستان عراق، بناحق بمنزله عکس العمل موجهی نسبت به موقعیت تحت ستم مردم کرد تلقی می شود. رویدادهای اخیر بروشنی بیگانگی ناسیونالیسم با منافع کارگران و زحمتکشان را نشان داد، و این

مهمترین درسی است که کارگران کرد می باید از این تجربه خونبار بگیرند. اینکه امروز رهبران ناسیونالیست کرد مشغول مذاکره با دولت عراق هستند خود اعتراف به طی کردن یک دور باطل است. انگار تمام سیاستهای چندین ماه گذشته این احزاب چیزی جز یک بخت آزمائی برایشان نبوده است. اما بهای شرکت در این لاتاری سیاسی را مردم کردستان عراق با آوارگی بزرگ پرداختند. جریانات ناسیونالیستی کرد، مطابق معمول، جسارت قبول مسئولیت شکست را نداشتند. اینست که تراژدی ای را که خود از عوامل شکل دهنده اش بوده اند "شکست مبارزات مردم کرد" معرفی می کنند، و مدعی اند که دلیل این شکست اینست که "آمریکا پشت ما را خالی کرد".

ما نمی دانیم که ماموران دست سوم وزارت خارجه آمریکا چه وعده هایی برای پشتیبانی به احزاب ناسیونالیست کرد داده بودند، اما واقعا تازی به اطلاع از این جزئیات برای ارزیابی عملکرد ناسیونالیسم کرد نیست. مساله این نیست که هر تحلیلگر سیاسی از پیش بروشنی می دید و می گفت که محال است آمریکا به پشتیبانی آپوزیسیون کرد و شیعی دوباره جنگ را از سر بگیرد. مساله حتی از زد نیست که جریان ناسیونالیستی در زد و بند بین المللی، یعنی عرصه ای که قرار بود تمام تجربه و هنرش در آن باشد، به گفته خودش، فریب خورد. نه، انتقاد ما که به شکست این استراتژی، بلکه اساساً به نفس این استراتژی است. سوال به سادگی اینست که حتی اگر بقول خودشان آمریکا به قول پشتیبانی اش عمل می کرد، چه افق سیاسی و اجتماعی در برابر جامعه عراق، یا کردستان عراق، قرار می گرفت؟ چه به روز زحمتکش و کارگر کرد می آمد؟

قرار گرفتن در اردوی جنگی آمریکا در خاورمیانه خود معنای روشنی دارد. در سراسر جهان تمام جنبشهای مترقی علیه جنگ آمریکا اعتراض کردند. بسیاری از فعالین اتحادیه های کارگری در آمریکا را مخالفت با اهداف امپریالیستی دولت بوش برخواستند. کارگران بندر ماریس در فرانسه حاضر شدند ساز و برگ جنگی به مقصد خلیج را باز بزنند. دهها هزار تن از مردم فرانکفورت پایگاه نظامی آمریکا در آلمان را محاصره زنجیر انسانی در آوردند. اما احزاب ناسیونالیست کرد در عراق، خود را نه در کنار این صف جهانی، بلکه در مقابل آن، در اردوی بوش و میجر و تاجر جا دادند. نتیجه این سیاست اکنون اینست که تلویزیونهای اروپائی با غرور تصاویر زحمتکشان کرد را نشان می دهد که، مستاصل از آوارگی، برای ورود تفنگداران دریائی آمریکا و انگلیس کف می زنند. یا کودکان کرد را با لباسهای محلی در لندن نشان می دهند که برای دادخواهی به در خانه تاجر در لندن فرستاده شده اند. همان تاجری که دشمن شماره یک معدنچیان بریتانیاست، که قانون "مالیات محلی" او کمر کارگران بریتانیا را می شکند. کارگران بریتانیا چه احساسی نسبت به این جنبش باید داشته باشند؟ اتحادیه های کارگری آمریکا که با جنگ بوش در خاورمیانه مخالفت کردند چه قضاوتی درباره جنبشی که در کنار دولت آمریکا قرار گرفت باید داشته باشند؟

جریانات ناسیونالیستی مردم کرد را از صف جنبشهای ترقیخواه جدا کردند و به صف مقابل فرستادند. قضاوت نیروهای پیشرو اجتماعی در مورد جنبشی که ناسیونالیسم کرد در عراق نمایندگی اش کرد نمی تواند بهتر از قضاوت در مورد جنبشهایی در آنکولا و افغانستان باشد که یونیتا یا مجاهدین اسلامی در راسخ قرار دارند. افق اجتماعی ای که در صورت موفقیت استراتژی ناسیونالیسم کرد در عراق، یا دستکم در کردستان عراق باز می شد تماماً در طیف عملکرد دولتهای گوش بفرمان و متحد آمریکا در جهان سوم، نظایر حکومت

ستم ملی و جنبش توده ها

ناسیونالیستهای کرد می توانند ادعا کنند (و ادعا می کنند) که اگر در صف متحدین آمریکا قرار گرفتند برای این بوده که در این میان فرصتی برای احقاق حقوق ملی کرد می جستند. ستم ملی ای که به مردم کرد اعمال می شود به آنها حق می دهد که در وهله اول به منافع ملی خود بپردازند و مناسبات سیاسی بین المللی شان را بر این مبنا تعیین کنند. آنها از قرار گرفتن در صف متحدین آمریکا اهداف ویژه خود را دنبال می کردند. نخست باید گفت که واقعیات رویدادهای اخیر گویای اینست که احزاب ناسیونالیست کرد از آنجا که تصور می کردند با تراشیدن یک حکومت الکتروناتیو برای عراق شانس بیشتری نزد غرب و آمریکا خواهند یافت، یکسره به ائتلافهای کشوری روی آوردند و تلاش کردند تا هیچگونه صحتی از مطالبات ملی کرد بمیان نیاورند. اما از این هم که بگذریم، نفس این اعتقاد که تعقیب منفعت ملی کرد یگانه معیار است خود یک استدلال تماماً ناسیونالیستی است که حکم ورشکستگی اخلاقی و سیاسی جریانات ناسیونالیسم کرد را در خود نهفته دارد. مطابق این استدلال، ناسیونالیسم کرد کاری به این ندارد که لشکرکشی امپریالیستی آمریکا به خاورمیانه میلیتاریسم را بر جهان حاکم می کند، هژمونی امپریالیسم آمریکا را تثبیت می کند، و صحنه سیاست جهانی را به راست می چرخاند. چرا که کفایت به قیمت همه این عقبگردهای جهانی، او به حق ملی خود برسد. روشن است که چنین دیدگاهی هیچ پایه مادی ای برای پیوند با و جلب همبستگی سایر جنبشهای پیشرو اجتماعی قائل نیست، بلکه تنها می تواند به سیاست بازی، یعنی زد و بندهای مقطعی با هر قدرتی که موقتا بصلاح بداند مشغول شود. از همین رو وقتی ناسیونالیسم کرد از کسب حقوق ملی سخن می گوید، شرایط اجتماعی برابری ملی را مد نظر ندارد، بلکه منظوروش پسادگی سهم خواهی از قدرت برای حزب ناسیونالیست مربوطه است.

چنین دیدگاهی، که به تضاد کسب حق ملی با اهداف سایر جنبشهای پیشرو اجتماعی قائل است، در عمل به ضدیت با منافع کارگران و زحمتکشان همان ملت منجر می شود. نمونه های این امر در تاریخ کردستان فراوان است. عملکرد ناسیونالیسم کرد در عراق در جریان جنگ آمریکا در منطقه نمونه بارز چنین عملکردی است. همین یک نمونه پس که با دامن زدن به شکاف ملی بین کارگران عرب و کرد امر ایجاد وحدت کارگران در عراق را سالها به عقب برد.

اینجا باید به یک مساله مهم جواب گفت: آیا شرکت وسیع توده های زحمتکش و کارگر کرد در حرکت اخیر (شرکت وسیعی که ابعاد عظیم آوارگی شاهد تلخ آنست) جنبش کارگری و کمونیستها را به ابراز همبستگی و سمپاتی با این حرکت ملزم نمی کند؟ دیدهبی است که اگر توده مردم کردستان که در رویداد اخیر سر به شورش برداشتند به سبب انطباق متاعشان با اهداف سیاسی جریانات ناسیونالیست نبود، بلکه عکس العمل موجهی بود نسبت به موقعیت تحت ستمی که در آن قرار دارند. موقعیت فرودست مردم کرد البته باید از سمپاتی هر جنبش عادلانه ای برخوردار باشد، و سرکوب این مردم، تحت هر بهانه ای، محکوم است. اما نفرت از عاملین مستقیم کشتار و آوارگی مردم کرد نباید به چشم فرویستن بر خصلت سیاسی این حرکت منجر شود. انگیزه شریف و برحق کارگران و مردم تحت ستم کرد بطور اتوماتیک این حرکت معین را مترقی نمی کند. بلکه باید به خصلت سیاسی اینکتیو این حرکت توجه کرد. واقعیت اینست که کارگران و زحمتکشان کرد با انگیزه برحق خود، در خدمت حرکتی برای اهداف

ناسیونالیسم کرد در آمدند، حرکتی که نه فقط با اهداف و آرمانها طبقاتی کارگران کرد در تضاد بود، بلکه حتی برای احقاق حقوق ملی نیز نبود. حرکتی که جبهه گیریهای بین المللی و ائتلافهای داخلی جریانات ناسیونالیست کرد هم خصلت و هم سرانجام محتوم آنرا بسیار پیش از شروع شورش شهرهای کردستان رقم زده بود.

باز واضح است که کارگران و مردم کردستان می توانستند مستقل از جریانات ناسیونالیستی کرد، جنبش خود را در هر زمان که مناسب بدانند آغاز کنند، اما اتفافی که افتاد این نبود. شرکت وسیع توده ها در جریان شورش شهرها، نظیر تمام موارد تاریخی که توده ها مجال ابراز وجود می یابند، بیشک طرح خواستهای اصیل کارگران و زحمتکشان کرد، اشکال سازمانیابی مستقل آنها، و اقدامات و ابتکارات توده ای را از پائین به همراه آورد. اما این هنوز فاصله زیادی با یک جنبش سیاسی مستقل دارد. جنبش کارگران و توده های کرد تنها وقتی می توانست جنبشی مستقل از حرکت ناسیونالیستی باشد که به چشم انداز سیاسی متفاوتی متکی باشد، و چنین نبود. شروع شورش شهرهای کردستان، اوج گرفتن سریع آن، و به بن بست رسیدن و فروپاشی آن همه و همه مطابق با تشخیص احزاب ناسیونالیستی از موقعیت و امکان پیروزی و محتوم بودن شکست شان پیش رفت. همین واقعیت کفایت تا نشان دهد افق سیاسی ناسیونالیسم کرد سلطه پلاننازی بر حرکت اخیر در کردستان عراق داشت.

مثل هر حرکت بزرگ اجتماعی دیگر، قطعا بازنگری رویدادهای اخیر درسهای مثبتی برای کارگران و زحمتکشان کرد دارد. چه پسا ابتکارات توده ای، اشکال سازمانیابی، شعارها و شیوه های مبارزه سیاسی که در دل این حرکت انجام گرفت و می تواند دستمایه مبارزات آتی کارگران کرد باشد. اما هیچیک از این تجربیات مثبت بر تشخیص خصلت اصلی و عمومی این حرکت نباید سایه اندازد. مهمترین تجربه رویدادهای اخیر برای کارگران و زحمتکشان کرد همین است که بدون گسست از ناسیونالیسم، بدون طرح سیاستهای مستقل در تقابل با ناسیونالیسم، دستاوردهای بیشترین قهرمانی ها و فداکاری های آنها در مبارزه یا یک شبه دود می شود و بهوا می رود، و یا در فردای پیروزی ناسیونالیستها مصادره شده و علیه آنها بکار گرفته می شود.

بدهیل سوسیالیستی در کردستان

سوسیالیسم در کردستان نمی تواند به انتقاد از کمبودها و نارسائی های ناسیونالیسم کرد محدود بماند، نمی تواند صرفاً از اشتباهات تاکتیکی ناسیونالیسم گله کند، یا تا وقتی چنین می کند برآستی سوسیالیسم نیست، بلکه همانطور که معمول همه عالم بوده است، ناسیونالیسم چپی است در لباس سوسیالیسم. سوسیالیسم تنها می تواند خود را بتمامی و از بنیاد بر برابر ناسیونالیسم کرد قرار دهد و ضدیت او را با منافع کارگران و زحمتکشان افشا کند. در رویدادهای اخیر کردستان عراق سیاست سوسیالیستی غائب بود. سیاست سوسیالیستی نمی توانست تنها با شروع شورش توده ای و جنگ با دولت مرکزی خود را آغاز کند. نمی توانست و نباید تنها به افشای محاسبه خطای ناسیونالیستها بر حمایت آمریکا اکتفا کند. سیاست سوسیالیستی در کردستان ابداً نفس پیگیری بیشتر در امر رفیع ستم ملی نیست. بلکه از بنیاد بر منافع متفاوتی متکی بودن است. سیاست سوسیالیستی آغاز کردن از منافع بین المللی طبقه کارگر است. سیاست سوسیالیستی در کردستان تنها در این چارچوب، یعنی در متن مبارزه برای

کارگاه امروز

«سی.یو.تی» برزیل، بزرگترین اتحادیه کارگری آمریکای لاتین

از فصلنامه: «اخبار برزیل»
مترجم: بهمن شفیق

هیاتی از اتحادیه سرتاسری «سی.یو.تی» برزیل در پائیز گذشته از آلمان دیدن کرد و جمعی از فعالین اتحادیه صنایع فلز آلمان مصاحبه‌ای با آنها ترتیب داد که در فصلنامه «اخبار برزیل» شماره ۱۰۷، بهار ۹۱ بچاپ رسید. در اینجا ترجمه بخشهایی از این مصاحبه را ملاحظه می‌کنید.

توضیح: «سی.یو.تی» در اواسط دهه ۷۰، یعنی تحت حاکمیت دیکتاتوری نظامی، شکل گرفت و در سال ۱۹۸۲ با تجمع ۵۲۲۲ نماینده از ۹۳۷ اتحادیه و فدراسیون و سولهای پایه کارگری بنیانگذاری شد و اکنون بزرگترین اتحادیه کارگری در آمریکای لاتین محسوب می‌شود.

در نوامبر ۱۹۸۲ از تجمع ۴۶۸۴ نماینده از ۱۲۵۸ اتحادیه محافظه کار، سوسیال دمکرات و احزاب کمونیستی سنتی تشکیلات موسوم به «ماهنگی کشوری طبقه کارگر» شکل گرفت که در سال ۱۹۸۶ به «سی.یو.تی» تغییر نام داد. در سال ۱۹۸۹ «سی.یو.تی» دچار انشعاب گردید.

★ ★ ★

س: «سی.یو.تی» چه تعداد عضو دارد و در چه بخشهایی فعال است؟
ج: ۱۴۰۰ اتحادیه به «سی.یو.تی» تعلق دارند که ۱۵ میلیون کارگر زن و مرد را نمایندگی می‌کنند. در این ۱۴۰۰ اتحادیه میزان سازماندهی ۲۵ درصد است در حالیکه بطور متوسط میزان سازماندهی در اتحادیه‌های رسمی در سطح کشوری ۱۷ درصد می‌باشد. مبارزات جاری، مثلا اعتصاب عمومی دو روزه ۱۴ و ۱۵ مارس سال گذشته که ۱۴ میلیون کارگر زن و مرد در آن شرکت کردند، نشان می‌دهد که «سی.یو.تی» چه نیروی دارد و در جنبش کارگری برزیل از چه اهمیتی برخوردار است.

س: «سی.یو.تی» در صنایع فلز از سایر بخشها قوی تر است و به ترتیب کارمندان بانک، صنایع شیمی و نفت و کارمندان دولتی بعد از این صنعت قرار می‌گیرند. کارکنان جدیدترین شاخه‌های اقتصاد برزیل در حد خیلی بالایی به «سی.یو.تی» سازماندهی شده‌اند.

س: رابطه «سی.یو.تی» با اتحادیه «سی.جی.تی» چگونه است؟
اصولا وجود دو اتحادیه را در برزیل چگونه می‌توان توضیح داد و در عرصه‌های مختلف مثلا دستمزد، زمان کار، دمکراسی درونی، مطالبات مربوط به گروه‌های اجتماعی تحت تبعیضات ویژه و همچنین در رابطه با موضعگیری

سیاست سوسیالیستی اگر می‌خواست در شورش اخیر شهرهای کردستان نقشی مستقل بپاید، می‌بایست همان شروع بحران کویت، یعنی همان وقتی که احزاب ناسیونالیست پایه حرکت خود را ریختند، آغاز کند. سیاست سوسیالیستی می‌بایست در تقابل با ناسیونالیسم کرد، از جانب کارگران کرد به همه دنیا اعلام می‌کرد که اگرچه خود در عراق در استثمار و ستم است، اما این لشکر

نسبت به حکومت و دولت چه تمایزاتی بین این دو وجود دارد؟
ج: بزرگترین اختلاف این است که «سی.یو.تی» در دل یک جنبش توده‌ای در سالهای ۷۹ - ۱۹۷۸ شکل گرفت و خود را در تقابل با سیستم رسمی قرار داد و کوشید از یک موضع طبقاتی کارکنان جامعه را سازماندهی کند.

«سی.یو.تی» دارای مبانی معینی است که آنرا بطور آشکاری از «سی.جی.تی» و سایر گروه بندی های اتحادیه‌ای متمایز می‌کند. استقلال از دولت و کارفرماها، اتکا به خود در مقابل احزاب سیاسی، سازماندهی مثبت از محیط کار، دمکراسی درونی، ظاهر شدن در نقش رهبری طبقه کارگر در اپوزیسیون و اعتقاد به اینکه منافع ما با منافع کارفرماها، بورژوازی در مقابل هم قرار دارند از جمله این مبانی‌اند.

با حرکت از این اصول ما مطالبات مهم طبقه کارگر را در سطح کشوری طرح کردیم. مطالباتی در زمینه طول روز کار، انطباق دستمزدها با هزینه زندگی، ارجاع مسئله بیهیای خارجی به پارلمان، و در زمینه رفم کشاورزی. هنگامیکه «سی.یو.تی» بوجود آمد بلوک بزرگ «سی.جی.تی» هم شکل گرفت. احزاب کمونیستی کشور هم در زمره حامیان آن بودند. به همین علت امکان پذیر نبود آنرا در کلیتش به عنوان یک اتحادیه «زرد» شناخت. اما در طول سالهای بعد احزاب کمونیستی هر چه بیشتر توسط راست ها منزوی شدند. گرایش طرفدار آلبانی به «سی.یو.تی» نزدیک شد و حالا با «سی.یو.تی» فعالیت می‌کند. به این ترتیب همزویی «سی.یو.تی» در بخش مبارز جنبش کارگری بطور مداوم رشد می‌کند.

«سی.جی.تی» امروز یک سیاست همکاری با دستگاه دولتی را تعقیب می‌کند. وزیر کار یکی از کادربهای «سی.جی.تی» است و با سیاست دولت از جمله انجماد رسمی دستمزدها توافق دارد. در مقابل «سی.یو.تی» سیاست عدم مداخله دولت در تعیین دستمزدها را پیش می‌برد. «سی.جی.تی» عملا در راستای سیستم رسمی اتحادیه‌ای قرار دارد. این سیستم همان ساختار فاشیستی اتحادیه‌ای است که از ۵۰ سال قبل پیاده می‌شود. «سی.جی.تی» اکنون به دو گروه بندی منسحب شده است. یکی از آنها به سیستم اتحادیه‌ای آمریکای شمالی نزدیک است و توسط وزیر کار نمایندگی می‌شود. گروه بندی دیگر را «یوآخیم زینهو» نمایندگی می‌کند. او با حزب کمونیست برزیل همکاری می‌کند و به اصل همکاری میان طبقات مختلف باور دارد. یک اختلاف مهم دیگر این است که «سی.یو.تی» وحدت جنبش اتحادیه‌ای

کنشی را نه فقط منجی خود نمی‌بیند بلکه به این سبب که دست آمریکا را در جهان قویتر می‌کند مغایر با منافع همه کارگران جهان و از جمله منافع کارگران کرد می‌داند. سوسیالیسم در کردستان می‌بایست از همان ابتدا جای خود را در اعتراض جهانی علیه سیاستهای آمریکا و متحدینش بیابد. سوسیالیسم در کردستان می‌بایست با کارگران و زحمتکشان عرب اعلام همبستگی می‌کند و خود را در مضایق آنها در جنگ آمریکا شریک می‌شمرد. جهان باید می‌دید که ناسیونالیسم کرد که در کنار آمریکا موضع گرفت، تنها صدایی نیست که از کردستان بر می‌خیزد. تنها چنین جریانی که به کارگران جهنم و کارگران عرب نشان داده بود رو در روی ناسیونالیسم خودی ایستاده است، میتوانست از هر فرصت مناسبی برای گسترش مبارزه خویش سود برد و از همبستگی کارگران همه کشورها و ملتها برخوردار باشد.

بخش های زیادی از مردم اما چنین تمایزی قائل نمی‌شوند. مطمئنا این نتیجه کمپین مطبوعاتی گروه‌های محافظه کار هم هست که دائما اصرار می‌کنند «سی.یو.تی» فرزند حزب کارگر یا به بیان دیگر بازوی حزب است. تمام این قضیه یک کمپین ضد کمونیستی در پوشش جدید است. عضویت در «سی.یو.تی» آزاد است و بر اساس اساسنامه‌اش صورت می‌گیرد. هیچگونه محدودیتی در این زمینه وجود ندارد. عضویت بر اساس تعلق سفت و سخت ایندولوزیک انجام نمی‌شود. اما چیزی که هست این است که برخی احزاب سیاسی از اعضایشان می‌خواهند در ساختمان تشکیلات اتحادیه فعال باشند. در حزب کارگر اینطور است. تشکیلات اتحادیه اما مستقل است، برنامه خودش را دارد و رهبری خودش. در زمینه مطالبات تفاوتی هم بین «سی.یو.تی» و حزب کارگر موجود است. هم «سی.یو.تی» و هم حزب کارگر با این ایده مشترک بوجود آمدند که منافع کارکنان جامعه را نمایندگی کنند، بی آنکه خود را بلافاصله به دولت و نهادهای دیگر متصل سازند.

س: «سی.یو.تی» در قبال مطالبات جنبش رهایی زنان چه موضعی دارد، نتایج سازمانی آن چه بوده و نسبت اعضای زن بطور کلی و یا در ارگانهای رهبری به چه میزانی است؟
ج: اساسا باید گفت که مسئله زنان در برزیل مسئله میزانی برای زنان نیست بلکه در یک رابطه کشوری مطرح است. به این ترتیب ما در «سی.یو.تی» یک کمیسیون زنان نداریم، بلکه یک «کمیسیون برای مسائل زنان شاغل» داریم. در ما هم تصویباتی یافت می‌شوند که بخش دارای سنت طولانی هستند. اما فقط در برزیل اینطور نیست بلکه در تمام جهان اینطور است. دومین کنگره کشوری «سی.یو.تی» در ۱۹۸۶ کمیسیون نامبرده را ایجاد کرد که هدفش تامین مشارکت بیشتر زنان در روندهای تصمیم گیری، ایجاد تغییر در مسائل روزمره زنان، مثلا تغییر نسبت زمان کار و وقت آزاد و یا فشار چند گانه ناشی از کار بیرون از خانه و کار خانگی است.

آمار و ارقام دقیقی در دست نداریم. تعداد زنان متشکل در اتحادیه قویا رشد کرده است، ولی در ارگانهای رهبری و تصمیم گیری این رقم پایین است. علاوه بر تعداد زنان متشکل در مقایسه با تعداد زنان شاغل هنوز بسیار اندک است. تعداد زنان متشکل در «سی.یو.تی» در مقایسه با اتحادیه‌های سیستم رسمی یا سایر سازمانهای سرتاسری اتحادیه‌ای بسیار بالاتر است. یک نکته مهم هم این است که کار زنان در بازار کار بسیار پائین تر از کار مردان ارزش گذاری می‌شود و این در زمینه نماینده شدن زنان و شرکتشان در رهبری مشکلاتی ایجاد می‌کند.

س: از انتخابات ریاست جمهوری در ماه مارس یک دولت جدید بورژوازی در برزیل پسر کار آمد. «ولتا» کاندید مورد حمایت حزب کارگر، احزاب کوچک دیگر، «سی.یو.تی» و جناح چپ کلیسای کاتولیک در دور دوم انتخابات با اقلیت تعجب آور ناچیزی شکست خورد. موضع «سی.یو.تی» نسبت به سیاست رئیس جمهور جدید «کولور» چیست؟

ج: «سی.یو.تی» در تضاد با سیاست رئیس جمهور جدید قرار دارد. «سی.یو.تی» از یک موضع طبقاتی استدلال و عمل می‌کند و در نتیجه نمی‌تواند با اقدامات دولت موافق باشد. اما بعنوان یک تشکیلات فراگیر اتحادیه‌ای «سی.یو.تی» نمی‌تواند در مخالفت با اصل و اساس این دولت در نقش اپوزیسیون قرار گیرد. «سی.یو.تی» می‌تواند روش روشنی در مقابل یک دولت کاپیتالیستی یا یک دولت کارگری اتخاذ کند. دولت «کولور» بطور کنکرت به معنای رکود، بیکاری و کاهش دستمزدهاست. «سی.یو.تی»

در مقابل عکس العمل نشان داده است. این کار ساده‌ای نبود، زیرا افکار عمومی عمدتا نسبت به رئیس جمهور نظر مثبت داشت. یک عرصه منازعه مساله دستمزدهاست. دولت در اینجا خیلی ماهرانه عمل کرد. دولت در مقابل مطالبه انطباق دستمزدها با تورم برای جبران کاهش ارزش واقعی دستمزدها مقاومت کرد و در مقابل سیاستی را در پارلمان پیش برد که تنظیم آزادانه قراردادهای دستجمعی را امکان پذیر می‌کرد. دولت وانمود کرد که این سیاست برای توسعه بیشتر ساختارهای دمکراتیک در برزیل است. تنظیم آزادانه قراردادهای دستجمعی باید با تضمین حقوق دیگری مثل حق اعتصاب و حق آزادی تشکل همراه باشد. از قضا در همین عرصه حق اعتصاب مشکلاتی وجود دارد. بطور مثال دادگاه عالی کار نه تنها اعتصاب در کمپانی «سیدروچیکا ناسیونال» را غیر قانونی اعلام کرد، بلکه صراحتا از سو استفاده کارگران از حق اعتصاب سخن گفت. این موضع کارفرماها را به شدت تقویت می‌کند.

برای فهم سیاست امروز لازم است نگاهی به گذشته انداخته شود. از سالهای ۳۰ قرن حاضر در برزیل یک مدل اجتماعی وجود داشت که در اساس بر سیاست مداخله دولت در بخشهای اقتصادی و اجتماعی متکی بود. این شکل کاملا قدرتمندانه بود. در اواسط سالهای ۷۰ این مدل اهمیت خود را از دست داد و دیگر در وضعیتی نبود که بتواند حداقلی از رشد اقتصادی را تضمین کند. بنابراین یک تجدید ساختار کاملا جدید لازم بود. دولت «کولور» جهت گیری دیگری دارد. این دولت یک پروژه نئولیبرالی را تعقیب می‌کند که مهمترین نتایجش برای طبقه کارگر بیکاری و رکود است. به این ترتیب امروز مبارزه علیه این پروژه نئولیبرالی برای جنبش اتحادیه‌ای در درجه اول اهمیت قرار دارد.

س: آیا تغییراتی هم در عرصه حقوق کار بوجود آمده است. قانون کار جدیدی که از آن بسیار صحبت می‌شد الان موجود است؟
ج: سیستم دولتی اتحادیه‌ها که ما به ارث برده‌ایم باقیمانده دوران فاشیسم و بر اساس منشور کار سوسیالیستی بوجود آمده‌است. این سیستم هنوز هم مثل سابق وجود دارد. مجلس موسسان صرفا برخی تغییرات جزئی را فرموله کرد و به مسائل ساختاری اصلا دست نزد. کل قانون در این عرصه کماکان پایرجاست. این مصاف بزرگی است برای جنبش رزمنده اتحادیه‌ای.

س: در مورد رفم کشاورزی نظرتان چیست؟
ج: «سی.یو.تی» از زمان تاسیس بنفع یک رفم همه جانبه کشاورزی اعلام موضع کرده است و با برنامه‌هایی که تا کنون دولتها تعقیب کرده‌اند مخالف است. یکی از مسائلی که در زمینه کشاورزی در «سی.یو.تی» به بحث گذاشته شد این بود که آیا «سی.یو.تی» تنها می‌بایستی کارگران مزدبگیر کشاورزی را سازماندهی کند یا همچنین «کومپوزنه‌ها» را که اکثرا دهقانان خرد هستند. در اینجا باید توجه داشت که در بسیاری از مناطق روستایی «سی.یو.تی» توسط کومپوزنه‌ها که برای قیامتی بهتر برای محصولاتشان مبارزه می‌کنند، بنیانگذاری شد مثلا در «پارا». بهر حال تصمیم گرفته شد که کومپوزنه‌ها نباید از جنبش اتحادیه‌ای بیرون گذاشته شوند. باید توجه داشت که این گروه اجتماعی امروزه در همان وابستگی به سرمایه قرار دارد که کارگران مزدبگیر شهری. علیرغم تفاوت‌های عینی بین این دو گروه، منافع آنان چنان شبیه به هم است که یک مبارزه مشترک را ایجاد می‌کند. بظلاوه این دو گروه هر دو سرکوب می‌شوند. در سال گذشته صد نفری به قتل رسیدند که برای ایجاد تغییرات در بخش روستایی جامعه مبارزه می‌کردند. این سرکوبگری آشکار حالا تحت حکومت دولت «کولور» به محدوده شهری هم گسترش یافته است.

Palestinian workers, in the aftermath of US war in the Middle East

Interview with Marty Rosenbluth, labour activist in Jerusalem

Marty Rosenbluth, of the Centre for Trade Union Rights in Jerusalem, talked to Ali Javadi, Worker Today co-worker in the US, about the effects of the US war in the Middle East on the situation of Palestinian workers. Excerpts:

Worker Today: The US war in the Middle East is over...

Marty Rosenbluth: I think it is a myth to say that the US war in the Middle East is over. You still have tens of thousands of US troops in the region. Even more importantly, now the US is going to take the opportunity to push its agenda in the Middle East. What this war has shown is that the US will pursue its foreign policy regardless of what its effect is on the region.

WT: What has been the impact of the war on the immigrant workers in the Middle East and the Gulf area?

M.R.: Hundreds of thousands of workers have been displaced, put out of their jobs, and forced to leave the countries they were working in. Very few of them have been able to return. Most were forced to flee without taking their life savings, without receiving any compensations from their employers. This is true in all the Gulf countries.

WT: Is there any account of casualties on the workers? Do you have any statistics on that?

M.R.: Nobody has counted. No one has even bothered to count the bodies. Nobody has any idea of the extent of the civilian and military casualties, or, for that matter, of the number of migrant workers who were killed. I wouldn't even want to guess how many workers were killed in Iraq.

WT: What about the fate of the Palestinians in Kuwait - those who left and those who stayed in the country?

M.R.: Those who left before the US troops went in are mostly at this point in Jordan. Very few of the Palestinians who were working in Kuwait were able to return to the occupied territories because they lacked the identification which are issued by the Israeli military.

Many of the Palestinians who lived in Kuwait were refugees from 1948. Where are they going to go? They don't have a country. In Kuwait many of these Palestinians have been there for 30 or 40 years, many were born there, they are second- and in some cases third-generation Palestinians. But they have no citizenship, they are just migrant workers. Many of the Palestinians in the West Bank can tell you stories about family members of theirs who were born in Kuwait, who after living there for 20 years were just kicked out because their services were no longer needed.

WT: How about the Palestinian workers in the occupied areas? How were they affected by this war?

M.R.: The entire West Bank and the Gaza Strip were put under

curfew by the Israeli military for basically the whole period of the war. For 7 weeks constantly the entire occupied territories were under round-the-clock curfew. All the factories and the workshops were closed and no workers were able to get to their jobs, with only very few exceptions. Farmers were not able to gather their crops, and even if they could, they were not able to bring them to the market.

The workers who worked in Israel were not able to get to their jobs. And even now the government has imposed all kinds of new restrictions.

In a lot of factories which have only recently come under union contract, the owners are now firing the workers covered by union contract and bringing in new workers. When the union goes to them and says you cannot do this, this is illegal, they say, "Well, what are you going to do? Are you going to the military government and have us arrested? What can you do?"

WT: What has been the position of the Histadrut on the Palestinian workers?

M.R.: As always the Histadrut [the General Federation of Workers in Israel] has had a rather negative role in its capacity both as an employer and as a trade union. In its capacity as a trade union, Histadrut has done absolutely nothing. They have refused to support the workers who are being dismissed, and have not provided services to workers who have lost their jobs, etc. As an employer, they are doing exactly what other Israeli employers are doing, i.e. trying to replace Palestinian workers with Soviet Jews. The Palestinian workers who have worked for EG (the huge cooperatives run by the Histadrut) for about 20 years are just being dismissed without any kind of compensation. The position that the Histadrut is taking as employer is this: these workers didn't come to their jobs so they are considered to have quitted their jobs.

WT: Could you explain the replacement procedure that the Israeli government has been imposing recently and to what extent has it been implemented?

M.R.: The Israelis are trying to implement a plan that they have been trying to implement for many years without success. What they are trying to do is, by offering incentives to employers and to Jewish workers, and by a system of fines against employers who hire illegal labour, to force employers to replace the Palestinian workers. But this has never worked in the past. The Palestinian workers are still fitter than the Jewish workers. Furthermore, Jewish workers do not want to take these jobs. Because Palestinian workers have been so cheap for so long, the government and the employers have had no incen-

tive to modernise the industry.

WT: How many Palestinian workers have returned since the war broke out?

M.R.: It changes every day. The government has had to continually increase the number of Palestinian workers let in, because Jewish workers are not getting these jobs, especially in the construction industry. Right at the end of the war the government was letting in 6,000. Now they have steadily increased this to 10,000, 20,000.

WT: How has the US war affected the labour movement in the occupied territories? We know that it was on the rise before the crisis started.

M.R.: All that it did was to enable the Israelis to do the things they have been trying to do for many years. For instance, since the curfew was imposed, the General Federation of Trade Unions has been unable to meet.

Officially there is no curfew in the West Bank and in the rest of the occupied areas but because of all the new system of permits it is almost impossible to get from the West Bank into Jerusalem. Even the Palestinians who have permits have often been turned back at the border. George Hazbun is the assistant general secretary of the General Federation of Trade Unions, and has a permit to enter Jerusalem, but last week he was turned back.

WT: What about the ideological implications of this war. What position does Arab nationalism have among the Palestinian workers?

M.R.: The General Federation took a slightly different position last year than the main stream of the PLO. The General Federation's position here is, as was expressed in a letter to the Palestine Trade Union Federation in Tunis, that the PTUF should not have come out in support of Iraq. They said "Look we don't support the US military presence in the Gulf. But at same time the population that is living under occupation cannot support another occupation." They felt that the PTUF should take another position.

But obviously Arab nationalism plays a role. People felt that the US was getting involved in internal Arab affairs that it had no business being involved in.

WT: Has Arab nationalism been strengthened by the recent events?

M.R.: I think it has definitely stirred things up. The problem at the moment is that, at least at governmental level, the Arab world is much more divided than it has been in the past. One of the things about this war is that the Arab states are behind the US-led coalition. But even if you look at it purely on a structural level the legal Arab states would split.

In all of these countries you had massive popular support against the US-led coalition.

WT: What is the influence of

Islamic fundamentalism among the Palestinian workers?

M.R.: In the population as a whole there is definitely an increase in Islamic fundamentalism - primarily in the Gaza Strip. But so far, the fundamentalists have not come forward with any programme for workers as workers. Even though workers may in fact, in terms of personal beliefs, be fundamentalist, politically, in terms of their grievances, they still have no place to turn to except for the General Federation of Trade Unions.

WT: How do the Palestinian workers view this latest diplomatic activity by the United States in the aftermath of the war?

M.R.: The workers are reacting in the same way that the population as a whole is reacting. As a whole, people are very sceptical and I think they view the role of the US as what it has done for many years: to protect Israel in the United Nations and the international community. People feel that the United States is an obstacle to peace in the Middle East. The United States is waving the UN flag in support of its foreign policy agenda in the Middle East. It was largely this hypocrisy that led people to say "Well the enemy of my enemy is my friend." So, I think that people don't put a lot of faith into US peace initiative.

WT: Let me ask you a different question. What do you think about Bush's 'New World Order' and what does it mean to workers in the area?

M.R.: The New World Order is a nice sounding bait for election campaigns and for the television. But what they mean by this world order is that: a) the US can use its military force to push its foreign policy agenda and b) to control important resources like oil.

WT: Has the war changed the way the world views the Palestinian workers?

M.R.: The position of the Palestinians was to a large extent misrepresented by the West. What the

war has done is to restore the image of Israel as a beleaguered democracy in the Middle East.

All of a sudden three years of human rights violation during the uprising, and all the human rights violations that have occurred in the occupied territories since 1967, don't exit any more in terms of world public opinion. The European Community is moving away from sanctions that it had imposed on Israel when they closed the universities. These sanctions have now been lifted. It is now much more difficult to get an audience in the US and Europe when Palestinians talk about human rights violations in the occupied territories. After years of struggle, the Palestinian unions finally forced the western trade unions to listen to their grievances, to recognise Palestinian unions as legitimate. It is difficult to say now what effect the war is going to have on the ability of the Palestinian unions to get a voice overseas. It is going to be difficult to tell how the war is going to affect the International Labour Organisation. Now, I imagine that the ILO conference coming up this June will spend a lot of time dealing with civil reparations for the Kuwaiti workers and the whole problem of other groups in the region and not just, as in the past, with the problems of Palestinian workers. On that level the war has certainly had effect.

WT: What can other workers do in support of the Palestinian workers and what do you need at the moment?

M.R.: The most important thing is for you to get the American unions to have a more balanced Middle East policy. The American unions have for many years had very strong ties with the Histadrut. It is long overdue that they set up fraternal relations with the Palestinians in the West Bank and the Gaza Strip.

On a more immediate basis, the American unions need to raise the whole question of what happened to the Palestinian workers during the war and also, because they have strong relations with the Histadrut, to use those ties to say to bring about improvements in the situation of the workers.

In the Persian Section

In addition to the articles appearing in the English section, the Persian section of this issue includes:

• First of May in Iran • Unofficial labour by Iranians in Japan • Kurdish leaders' talks with the central government; supplement: the 11 March 1970 plan • Role of Kurdish nationalism in the Kurdish tragedy • Japa-

nese workers: death from overwork • Don't strike for six years! - A look at the Canadian Atlas Steelworks contract • Unemployment in Canada - a report • Interview with Amin Bagheri, Iranian labour activist in the print industry • Introducing the Brazilian CUT trade union • The movement for shorter working hours in Britain.

News of workers' struggles around the world are published in more detail in the Persian section.

Subscription Form

I would like to subscribe to Worker Today for a period of
 Six months One year

Please send my Worker Today and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Send the filled form to WT address:
 WT, Box 6278, 102 34 Stockholm, Sweden

NOTE! In the USA and Canada send to:
 WT, PO Box 241412, Los Angeles, CA 90024, USA

Subscription Rates:

<i>Europe:</i>		<i>Elsewhere:</i>	
1 Year	SKr120	1 Year	SKr180
6 Months	SKr70	6 Months	SKr100

• Institutions double the rates • All prices include p&p.

Worker Today in second year of publication

Interview with Reza Moqaddam, WT editor

Reza Moqaddam, editor of Worker Today, is a well-known Iranian socialist labour activist, and was among the prominent activists of the 1979-81 workers' council movement in Iran. The following interview with him (here abridged) was published in the Persian section of the previous issue on the occasion of the start of the paper's second year of publication. Hopefully this will be a start to extensive future talks with Reza Moqaddam over the issues of the labour and socialist movement.

Worker Today: Looking at the paper now, one year on since publication, how closely does it resemble the picture that you had in mind then?

Reza Moqaddam: It is still not what I had in mind one year ago and what I have in mind now. But I didn't expect it to get there in such a short time either.

WT: What is the ideal picture of the paper?

R.M.: Worker Today should be able to develop contacts among labour activists in different countries, inform them of one another's views and facilitate meetings among them. It should serve as a platform for labour activists to voice their views on different issues of the labour movement. It should come to be regarded as a reliable paper among well-known labour activists internationally. It should call conferences of such activists over the most pressing and important issues of the workers' movement. It should bring to the attention of the international

labour movement the condition of Iranian workers, their lack of rights, and the savage repression that is exercised against them by the Islamic Republic government. Worker Today should be a relentless defender of workers' revolution and all that is needed for this revolution. It should turn into a political weight in the Iranian labour movement; the government and its Islamic Councils and Worker House should feel its pressure upon themselves still more.

Looking at Worker Today now, one year after the start of its publication, we see that it has taken steps towards these goals, and in certain areas has made rapid headway. If we are to give an assessment, I would say it has been a successful paper, even at this stage.

WT: What sort of a reception has it had among the Iranian, as well as the non-Iranian, readership?

R.M.: When Worker Today began publication, there was no newspaper of the same kind being published abroad. Therefore it did not need to compete with similar papers to win over their readership. It fulfilled a particular need and was therefore welcomed. Of course, the paper's style of presentation, as well as the many interviews it has published, have also contributed.

It has been well-received also among labour activists internationally. It is now distributed in 16 countries, and is turning into a platform among labour activists; it is facilitating their coming into contact with each other. The paper has become the most important means for bringing labour issues in Iran to the attention of labour activists abroad. At the same time it is helping to change their conception of Iran, by showing that there is a working class in Iran; that workers struggle over their grievances and for their rights, who get arrested, and who are executed for their activities; that there are auto industries with thousands of workers working in them, and so on. The paper is turning into a centre with which labour organisations and activists get in touch for information about the labour movement in Iran.

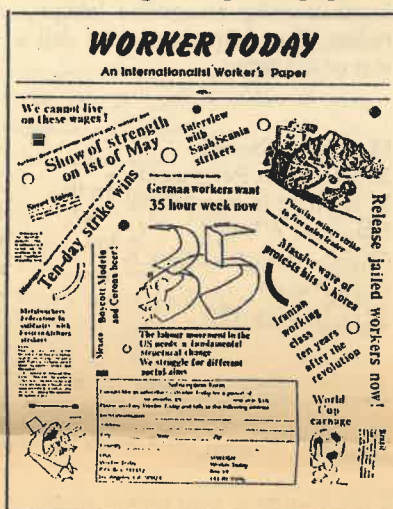
WT: What problems are you encountering in publishing the paper? What can a sympathetic

reader do to help Worker Today?

R.M.: Worker Today can keep up publication if it can sustain itself financially. This is the only thing that may pose a problem for the publication of the paper. The financial status of a newspaper depends, of course, on its circulation. At the moment Worker Today is faced with the problem of distribution and this is where it needs most help. So one way of improving the paper's financial situation is to raise its circulation. However, a fundamental solution to the economic problems of the paper would be for it to receive assistance from labour organisations.

The financial difficulties of the paper have limited its capacity to do the things that it wishes to do towards its objectives. For instance, the objectives of Worker Today require that the paper be sent, in large numbers, to unions and labour publications in many parts of the world to inform them of the condition of the working class in Iran.

WT: Going through the pages of



Worker Today one is struck by the relatively wide-spread contacts which exist with important sections of the labour movement in Europe and the USA. How have you formed them?

R.M.: These are contacts which the activists of the Communist Party of Iran have formed with the labour movement in Europe and the USA. The paper was first promoted by them, and at the same time became a means by which to maintain and strengthen these contacts. But Worker Today has now itself become an instrument for contacts among people who intend to work in this field.

WT: Does Worker Today have close contacts with active Iranian workers who now live abroad?

R.M.: Yes. This paper is an important tool for Iranian workers who want to do labour activity abroad; it both furnishes them with material to work with and gives coverage to their activities. It provides them with a platform in which to voice their views on the issues of the workers' movement, and informs them of the views of other labour activists. Most of the interviews published in the paper have had this function.

The example of the discussion over the 35-hour week issue [published in the Persian section] provides a rare case in the Iranian labour movement where workers, through their own signed articles, are debating on this issue. This is an important step forward; it prepares the activists of the workers' movement to stand up and defend their own views on a social scale. As a matter of fact, without this the political maturity of the Iranian workers' movement and its asserting itself in society would be very difficult.

From page 12

Islamic Councils...

'incidents' at the workplace.

Even more shocking are the conditions of elections to the Islamic Councils, which can only be compared with the conditions of admission to the military-religious 'Revolutionary Guards' army (*Sepah-e-Pasdaran*).

(c) Belief in and practical allegiance to Islam and the Velayat-e-Faghih ['Rule of the Clergy'], and commitment to the Constitution of the Islamic Republic of Iran. (Note: With regard to Jewish, Christian and Zoroastrian minorities, allegiance to the Constitution suffices.)

d) No sympathies for illegal parties, organisations and groups, and groups opposed to the Islamic Republic.

e) Iranian citizenship.

f) Honesty. Not reputed as morally corrupt.

g) No links with the previous regime. Free of penal convictions resulting in deprivation of social rights." (Article 2)

Working within the framework of these religious, racial, ethical and political conditions, a special Board, in which the majority is held by the Labour Ministry and the employers, vets the 'competence' of candidates to Islamic Councils. Only then, according to Article 3, may Islamic Council elections take place, with the supervision of the Labour Ministry and according to its election statutes.

Dissolution

Besides enumerating the complex conditions of 'competence', 'approval', etc, the bulk of the Act is devoted to specifying how an Islamic Council which "deviates" from its duties will be dissolved. Article 22 talks of a Board "formed by the Labour Ministry" which is to "determine the deviation of the Councils from their legal duties, and to dissolve them". The Islamic Council is, according to Article 10, accountable to this Board. And Article 4 reiterates that "If the Council deviates from its legal duties, it will be dissolved by the decision of the aforementioned Board."

The fear that Islamic Councils may be taken for something they are not, permeates every Article of the law. According to Article 15, the formation of Islamic Councils in large workplaces - which include such industries as oil, electricity, steelworks, copper, etc. - requires the approval of the Supreme Council of Labour. Seven years on, no decision has yet been taken!

No credibility

It is not hard to imagine what attitude the workers, who already have the experience of the years 1979-1981 in building their own genuine councils, would have towards the Islamic Councils - particularly if we bear in mind the fact that these state-made organs were introduced essentially in opposition to that experience.

In the past seven years few labour struggles have broken out

which have not been at the same time direct or indirect challenges to the Islamic Councils. Not few of the protests have had as their main or even sole demand the dissolution of the Islamic Council and/or dismissal of its officials.

What the Islamic regime calls Islamic Council elections, are in fact charades to force workers to the ballot box. The results that are to be pulled out of the boxes are already known. Some Islamic Council "elections" have had to be re-run a number of times because of workers' boycott.

The government's attempts, and particularly the efforts by the heads of the regime's 'Worker House' organ, to enable the Islamic Councils to gain credibility among at least some sections of workers have been totally aborted due to the radicalism of the workers' movement. For instance, the workers' effective boycott of last year's official First of May ceremonies (which the Islamic Councils had been put in charge of), clearly re-affirmed this fact.

Razmy, head of one of "the most successful Councils", recently stated in the official weekly *Kar-o-Kargar*, "Workers' expectations are high, while the resources of the Council are limited. After two years' work, members of the Islamic Council fall out of favour with the workers."

In 'one quarter' of the workplaces

The fact that the Islamic Councils lack credibility among the workers is the most important factor which makes them not to be taken seriously by the management either.

Most managers do not regard the Islamic Councils as 'the other wing of the production unit'. They are even considered a nuisance because of their extreme Islamic tendencies and 'unwarranted interference'. Razmy further complained, in the same article, that "the Islamic Councils ... take blows, sometimes from the management and sometimes from the employees."

Last September, Moshirian, general secretary of the bureau for Workers and Employers Organisations at the Labour Ministry, revealed to the Islamic Republic News Agency that Islamic Councils had been set up in only about 1,400 of the over 5,000 enterprises covered by this law. He described the reasons for the failure as "lack of human resources" and "lack of an independent budget". He added that the Labour Ministry was determined to remove the obstacles in the way of the Islamic Councils.

Re-training

Since the appointment of Hussein Kamali, the most famous personality of the Islamic Councils, to the post of Labour Minister, a more or less new development has started in the life of the Islamic Councils. This has consisted of bringing the Islamic Councils still closer to the government and the Labour Ministry, reducing or eliminating their incongruity with the needs of the management, trying to win practical recognition for them as the "workers' legal representatives" on the part of the management and governmental bodies, strengthening the Worker House

(the head of the Islamic Councils and Islamic Societies) financially, organisationally and legally, and, finally, trying to establish them as "the representatives of Iranian workers" at international forums.

Thus, having despaired of winning recognition for the Islamic Councils among the workers, the Islamic regime is trying to establish them as obedient organisations by the side of its Labour Ministry. The insertion of the Islamic Councils and the Worker House as the "only lawful labour organisation" in the recently-enacted labour law, was the most important step in this direction. Furthermore, for some time now the Labour Ministry has been running courses to "explain the job" of the Councils to their activists. There is even talk of relaxing the restrictions in the Act. And during the past two years the government's Worker House has tried more actively to extend its international relations.

But the workers' struggle against the Islamic Councils is bound to continue and increase, since in their daily struggle over their grievances, workers are confronted with the obstacle of Islamic Councils, and with other organs of the capitalist state apparatus. If lack of organisation is a principal weakness of the labour movement, the struggle against these repressive state-made organs and their sweeping out of the way is a vital element in the workers' struggle to create genuine labour organisations. Exposing and barring the Islamic Councils from international labour organisations is an important aid to this struggle of the Iranian workers.

IN BRIEF

United States

The first US railroad strike in nearly a decade, involving 235,000 workers, was brought to an abrupt end as the US President and Congress issued a back-to-work order. The order came less than 16 hours after the strike started. The companies and workers have been given 65 days in which to settle the dispute through an arbitration panel.

Canada

About 200 to 300 Canadian auto workers, Local 252, staged a week-long sit-in at Caterpillar Canada to protest the company's decision to phase out its Canadian operation by the end of the year with the loss of 350 jobs.

Turkey

A month-long strike by 8,000 employees of the state-owned THY Turkish airlines was joined by 2,500 airport workers over a pay rise demand of around 600 per cent. The strike has grounded most of THY's flights. In Istanbul 2,000 workers demonstrated in protest against the President's threats to sack the strikers and shut down the airlines.

Britain

Leaders of the North Sea oil workers' strikes have threatened to establish a separate union unless the official unions agree to the creation of a new joint offshore body - according to a report in the *Financial Times*. Last year's offshore workers' strikes centred around the two issues of safety and union recognition.

New Zealand

100,000 New Zealand workers demonstrated on April 4 to protest new anti-union legislation under approval by the parliament. The protests came as 50,000 teachers began a nationwide strike.

Solidarity with Iranian workers

International Union of Food & Allied Workers:

Execution of labour activists, most drastic violation of labour rights

WT News Service:

In a strongly-worded letter to the Iranian embassy in Bern, Switzerland, and to the Islamic Republic's mission in Geneva, the International Union of Food and Allied Workers' Associations condemned the execution of labour activists in Iran and called on the Iranian government to respect internationally recognised labour rights. The following is the full text of the letter.

M. Sirous Nasser
Representant Permanent
Mission de la Republique
Islamique d'Iran
Chemin Petit-Saconnex 6
Case Postale
1211 Geneve 19

Geneva, April 25, 1991

Dear Mr. Nasser,

I am writing to express our strongest protest against the arrest and execution late last year of Mr. Abdollah Beyvaseh, a member of

the Bakery Workers' Union in Marivan, which has recently come to our attention. We understand that this is not an isolated case and that other labour activists have been executed.

Our organization is an international federation of trade unions in the food processing, beverage, tobacco, and hotel and catering industry with 250 affiliated member organizations in 90 countries. Our main concern is the defense of the interests of workers everywhere, in particular of food and allied workers, and the defense of their basic rights as workers, as citizens and as human beings.

We are deeply shocked by the execution of labour activists by your government. It is hard to imagine a more drastic violation of trade union rights, democratic rights and human rights. We call on your government to respect internationally recognized standards of labour rights, to cease all executions of active trade unionists for peaceful activities flowing



from their commitment to their fellow-workers and to release all political prisoners presently being held.

Yours sincerely,

Dan Gallin
General Secretary

DISK union leader returns to Turkey

WT News Service:

Turkish exiled oppositionists, among them leaders of the trade union DISK, which was banned following the September 1980 coup, with many of its leaders and activists being arrested, tortured, and executed, have begun returning to Turkey. The return of the activists comes in the wake of a general amnesty ratified last month by the Turkish Parliament, leading to the release of many political

prisoners.

Arriving in Turkey in the company of his lawyers, Akram Aydin, General Secretary of DISK, later took part in the first DISK meeting. The union's lawyers, who have been campaigning for several years for the lifting of the ban on its legal and public activity, say that there will soon be a court ruling on DISK's right to legal public activity.



A DISK First of May poster

concerned authorities and make the necessary co-operation with regard to social aspects of incidents."

It is unlikely that even the yellow unions in early twentieth century Russia or the Mafia-controlled unions in the US would so explicitly describe their jobs as informing on, and 'co-operating' with the 'concerned authorities' over social

Continued on page 11

Congress of United Socialist Party in Germany:

Send worker inspection teams to Iran

WT News Service:

A recently-held congress of the United Socialist Party (VSP) in Germany passed a resolution denouncing the violation of workers' rights in Iran and calling for labour inspection delegations to be sent to Iran. The following is the text of the resolution.

Whereas the Islamic Republic regime of Iran:

- Does not recognise the right to strike,
- Does not recognise the workers' right to organise freely,
- Has executed hundreds and imprisoned thousands of labour activists,
- Has imposed very severe living and working conditions on the Iranian workers,
- Has instituted discriminatory laws against women workers,
- Has legalised child labour,
- Has executed Jamal Cheragh-Vaissy, a utility worker, union activist and an organiser of the May Day rallies in Iranian Kurdistan,

We participants in the congress of the United Socialist Party:

- Strongly condemn the anti-worker policies of the regime of Iran,
- Demand the release of all political prisoners in Iran,
- Demand the right to strike and freely organise for the Iranian workers,
- Demand a higher standard of living and working conditions for the Iranian workers,
- Demand that the regime of Iran be expelled from the International Labour Organisation,
- Call on the German Federation of Trade Unions (DGB) to take measures together with trade unions from other countries, representatives of international organisations and Iranian labour activists in exile, to send inspection delegations to Iran.

Islamic Councils: target of seven years of workers' opposition

The following is the slightly abridged version of the article by **Mostafa Saaber** which was published in the Persian section of the May '91 issue.

A workers' organisation, or a military force?

The 'Islamic Councils of Labour' Act, approved in 1985, outlines a series of duties for the Islamic Councils - from "promoting a spirit of co-operation among the employees" down to "co-operation with the Islamic Society", i.e. the state's police-religious watchdog in the factories. Article 20 of the Act says:

"The Council should inform the

"If we liken the production unit to a bird, the management and the Islamic Council are its two wings."

This is the most delicate definition possible of a reality in Iran known as the Islamic Council, recently voiced by one of its functionaries, Ali-asghar Badban - the

same person who for the past few years has been attending international labour conferences, as part of the official Iranian delegation, passing as 'the representative of Iranian workers'.

The facts about the Islamic Council, however, are much more horrific.

● On the situation of Palestinian workers in the aftermath of US war
Interview with Marty Rosenbluth p.10

● Worker Today starts second year of publication
Interview with the editor p.11